

برداشت ایرانی از خطر قدرت نرم آمریکا

امیر توماج



از زمان انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹، جامعه ایرانی بازتر، مدرن تر، و متکثرتر شده است، که این روندی مخالف با ارزش‌های دینی و سنتی رژیم است. در پاسخ، اسلامگراهایی که خود را انقلابی می‌خوانند، جهانی را به تصویر می‌کشند که در آن دولت آمریکا فرهنگ ایرانی را هدف گرفته و این را از دید آنها می‌توان در هنجارها و رفتار اجتماعی مشاهده کرد. درست یا غلط، آن‌ها می‌ترسند که این تغییر فرهنگی منجر به «براندازی نرم» جمهوری اسلامی از درون شود.

علی خامنه‌ای رهبر ایران و اسلامگرایان همفکر او این نبرد ادعایی برای فتح دل و جان ایرانیان را یک «جنگ نرم» ترسیم می‌کنند که بر نظریه جوزف نای، دانشمند علوم سیاسی، در کتاب او به نام قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست جهان^۱ استوار است. این نظریه به طور کلی به توانایی جذب و ترغیب طرفداران از طریق سیاست‌گذاری‌ها و طرح ایده‌آل‌های سیاسی و فرهنگی به جای اعمال قدرت سخت اشاره دارد. در این روایت، از طریق اعتراضات مردمی می‌توان به یک براندازی نرم رسید. مثل انقلاب‌های «مخملی» یا «رنگین» در چکسلواکی در اواخر دهه ۱۹۸۰، و گرجستان و اوکراین در دهه ۲۰۰۰ میلادی. براندازی نرم همچنین می‌تواند خود را در ظهور جناح‌های سیاسی و سیاستمدارانی نشان

عکس: شیرین واعظی، دختر ایرانی نوازنده درام در گروه پراگسیو متال «آتریا»، به همراه یکی از هم‌گروه‌های خود در یک کافه هنر در تهران. رویترز

نگرانی از تهاجم فرهنگی غرب

در ایران از قدیم جریانی وجود داشته که طرفدارانش نگران نفوذ مدرنیته غربی، سکولاریسم، و تاثیر فرهنگی آن هستند که از دید آنها منجر به زوال فرهنگ بومی کشور می‌شود. این نگرانی در تمام طیف‌های سیاسی از روحانیون تا برخی روشنفکران سکولار و بومی‌گرایان مسلمان وجود داشته است؛ چون فضای اجتماعی ایران به طرز شاخصی از متفکران غربی و نیز غیرغربی از جمله مارکسیست‌ها و منتقدان مدرنیسم تاثیر پذیرفته است.^۳ تا انقلاب ۱۹۷۹، این احساس تهدید در میان اپوزیسیون سلطنت پهلوی رنگ و بویی ضدآمریکایی پیدا کرد، و پس از انقلاب به ویژگی معرف بنیان‌گذاران جمهوری اسلامی و رهبر فعلی آن بدل شد.

در بیشتر دوره قاجاریه (۱۷۹۸-۱۹۲۵) ایران با فشار خارجی بریتانیا و روسیه و دخالت در امور داخلی از سوی آنها مواجه بود، ولی توانست در برابر حاکمیت استعماری مستقیم مقاومت کند.^۴ در عین حال، جنبه‌هایی از فرهنگ مادی و معنوی اروپایی را به طور گزینشی اقتباس کرد.^۵ تا اوایل قرن بیستم، قاجارها تحت امتیازات متعدد، کنترل منابع ملی را به گروه‌های بانفوذ اروپایی واگذار می‌کردند که این خشم بازرگانان، روحانیت، و روشنفکران تحصیلکرده در غرب را برمی‌انگیخت. این گونه تحولات در ترکیب با نارضایی عمومی ناشی از حکومت خودکامه و شرایط فقیرانه زندگی منجر به انقلاب مشروطه در سال ۱۹۰۵ شد^۶ که به پادشاهی مشروطه‌ای انجامید که نهایتاً در ۱۹۱۱ در پی انحلال مجلس دوم و اشغال ایران به دست روسیه و بریتانیا منقرض شد.^۷ ائتلاف روشنفکران با روحانیت، که تا اواسط قرن نوزدهم موقعیت خود را به عنوان مرکز قدرتی مستقل مستحکم کرده بود،^۸ راحت نبود: روحانیون غربی‌سازی و سکولاریزه شدن را تهدیدی علیه مسلمانان و اسلام می‌دیدند، حال آنکه متفکران سکولار که گفتمان مشروطه را شکل داده بودند، اسلام را با دنیای مدرن ناسازگار می‌یافتند.^۹ این تنش‌ها، که تا امروز حل نشده باقی مانده است، در تمام فضای گفتمانی قرن بیستم و ابتدای قرن بیست و یکم حاکم بوده است.

در اوایل دوره حکومت پهلوی، رضاشاه (که از ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۱ حکومت کرد) یک برنامه سکولارسازی و مدرنیزاسیون به سبک غربی و آمرانه (از بالا به پایین) اجرا کرد. این تلاش شبیه ابتکار ترکیه کشور همسایه به رهبری کمال آتاتورک بود. مقررات آن شامل پوشش به سبک غربی برای مردان و کشف حجاب برای زنان بود که به مشارکت بیشتر زنان در جامعه انجامید، حتی با

دهد که خواهان تنش‌زدایی با آمریکا هستند و علاقه‌ای به دفاع از ایدئولوژی ندارند؛ یادآور مسیری که رهبر سابق شوروی میخائیل گورباچف در پیش گرفت.

در این روایت از جنگ نرم، آمریکا پیکار اطلاع‌رسانی خود را نه فقط از طریق شبکه‌هایی مثل صدای آمریکا، بلکه در عمل از طریق جامعه مدنی آمریکا، از جمله هالیوود، تلویزیون، موسیقی، و صنعت مد، شبکه‌های اجتماعی، و بازی‌های ویدیویی، هم پیش می‌برد و همه این‌ها، خیلی بیشتر از برنامه‌های دولت آمریکا، در جامعه ایران و خصوصاً جوانان ایران نفوذ کرده‌اند. این ارزیابی تمام دنیا را در بر می‌گیرد. باید تاکید کرد که در این روایت، این‌گونه مظاهر فرهنگ آمریکایی ابزارهای مستقیم دولت آمریکا در خدمت توطئه تحریک مردم ایران در جهت براندازی تلقی می‌شود.

سیاست‌گذاران آمریکا باید آگاه باشند که آنچه آن‌ها رابطه کاملاً بی‌ضرر مردم-با-مردم می‌دانند—خواه علمی باشد، یا آموزشی، فرهنگی، هنر و سرگرمی—از سوی تندروهای ایران تهاجمی با هدایت دولت [آمریکا] محسوب می‌شود. و شاید قابل ذکر باشد که حتی رویدادهایی مثل اعطای جایزه اسکار به فیلم آرگو به دست بانوی اول آمریکا میشل اوباما—فیلمی که سال ۲۰۱۲ ساخته شد و درباره عملیات نجات شش کارمند سفارت آمریکا از سوی سی.آی.ای طی بحران گروگان‌گیری ۱۹۷۹ در تهران است—مشمول سوءظن‌های تندروهای ایران می‌شود.

برای سیاست‌گذاران آمریکایی عملاً غیرممکن است که بخواهند خامنه‌ای، رهبر ایران، را قانع کنند که آمریکا در پی براندازی جمهوری اسلامی نیست. در مقام مقایسه، نظریه توطئه کانن (QAnon) در آمریکا نشان می‌دهد که تغییر برداشت افرادی که به یک نظریه خاص جلب می‌شوند، چقدر کار دشواری است. حتی اگر در تئوری، واشنگتن صدای آمریکا و سفارتخانه مجازی آمریکا در ایران را تعطیل کند،^۲ و از تلاش برای کمک به مردم ایران برای دور زدن فیلترینگ اینترنت دست بردارد، بعد باید مانع نشر فعالیت‌های بخش خصوصی ایران و صادرات (فرهنگی) جامعه مدنی هم بشود. افزون بر این، نه فقط رهبر ایران و سپاه پاسداران که روحانیون و تندروها نیز منافع مسلمی در حفظ مفهوم جنگ نرم به رهبری آمریکا بین پیروان خود دارند تا انسجام این گروه‌ها را حفظ کنند. این مفهوم جهان‌بینی آن‌ها و همین‌طور ایدئولوژی آن‌ها را تبیین می‌کند.

وجود اینکه پسر و جانشین رضاشاه یعنی محمدرضا، در سال ۱۹۴۱ کشف حجاب اجباری را لغو کرد.^{۱۰} پهلوی‌ها مروج هویت ایرانی فارس-محور بودند که ریشه در تاریخ پیش از اسلام داشت، ولی به بهای سرکوب هویت اقلیت‌های غیرفارس که تا امروز هم تقریباً نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند. ایران در این دوره شاهد رشد بیشتر سرگرمی‌های مدرن بود، مثل سینماها، تئاترها، کافه‌ها، رستوران‌ها، و فیلم‌های غربی که برای جوانان بسیار جذابیت داشت.^{۱۱} این تحولات، در میان روحانیت و پیروان مذهبی محافظه‌کار آن‌ها - که بسیاری از آن‌ها مثلاً حتی از رادیو اجتناب می‌کردند بر این اساس که داشتن رسانه‌ای که موسیقی پخش می‌کند از نظر شرعی حرام است - نگرانی‌هایی را برانگیخت.^{۱۲} مولفه‌های دیگر مدرنیزاسیون پهلوی شامل بازسازی زیرساخت‌ها و افزایش اختیارات حکومت در آموزش، اقتصاد، و نظام قضایی و، همچنین، کاهش نفوذ اجتماعی-سیاسی روحانیون بود.^{۱۳} پهلوی‌ها با این اقدامات تدریجاً روحانیون و طبقه بازرگان را از خود بیگانه کردند، و موازنه تاریخی قوا را بر هم زدند و راه را برای اپوزیسیون خود باز کردند.^{۱۴} ائتلاف حکومت و روحانیت به دوره ساسانیان (۲۲۴-۶۵۱ میلادی) در پیش از اسلام برمی‌گردد و بعد از قرن یازدهم میلادی به شکلی فزاینده در جاهای دیگر در سرزمین‌های تحت حاکمیت مسلمانان تداوم یافت.^{۱۵}

برخی پیامدها و تناقضاتی که از مدرنیزاسیون اوایل پهلوی ظاهر شد، مثل شکاف روزافزون بین بخش‌های مدرن و سنتی جامعه ایرانی، تا امروز حل نشده باقی مانده است؛ هر چند جمعیت بخش مدرن تا دهه‌ها کمتر از جمعیت سنتی بود.^{۱۶} روحانیت شیعه در مواجهه با چالش‌ها و کاهش نفوذ خود در اواخر دهه ۱۹۲۰، کم‌کم خود را گروهی منزوی و مظلوم می‌دید،^{۱۷} و به جازدن این مضمون پرداخت که تا امروز هم ادامه دارد. روحانیت همچنین نتوانست در ازای توقع اطاعت دینی از مردم، سبک زندگی جایگزین و جذابی را ارائه کند. نوگرایان و ملی‌گرایان دوره پهلوی هم به نوبه خود معمولاً روحانیت را منشأ خرافات ارتجاعی می‌دیدند و اغلب نسبت به غرب احساس خودکم‌بینی داشتند و نظامی‌گرایی غربی، امپریالیسم، نسل‌کشی، برده‌داری، و دیگر سوءرفتارهای آن را کم‌اهمیت جلوه می‌دادند.^{۱۸} بازاندیشی مدرنیزاسیون و غرب‌گرایی در نیمه قرن بیستم [بعد از کودتای ۲۸ مرداد] از سوی متفکران ایران، واکنشی به این طرز فکر بود.

اپوزیسیون ضدآمریکایی در ایران عموماً، و به طور خاص در میان شخصیت‌های فکری، اسلام‌گرا نبوده و هم متفکران سکولار و

هم دینی را شامل می‌شده است. حزب توده طرفدار شوروی که یکی از سازمان‌یافته‌ترین احزاب آن دوره بود و در سیاست‌های اپوزیسیون تأثیر بسیار داشت، در دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ گفتمان ضدامپریالیستی و ضدآمریکایی را ترویج می‌کرد.^{۱۹} در واقع، اشغال ایران از سوی متفقین طی جنگ جهانی دوم و سیاست‌هایی که منجر به افزایش تورم شد، به یاریگیری حزب توده کمک کرد.^{۲۰} پهلوی‌ها در پی کودتای ۱۹۵۳ علیه نخست‌وزیر محمد مصدق، حزب توده را سرکوب کردند؛ آن واقعه و نقش برجسته انگلیس و آمریکا کماکان امروز هم بحث داغی است؛ ولی آنچه روشن است بدون حمایت مراکز اصلی قدرت مثل روحانیت و بازاریان از سلطنت، این کودتا موفق نمی‌شد.^{۲۱} در سال‌های پس از کودتا، روحیه ضدآمریکایی بنا به دلایل مختلف در میان عناصر دیگر اپوزیسیون هم رشد یافت؛^{۲۲} از جمله به خاطر احساس سرسپردگی حکومت پهلوی به منافع غرب، پوشش رسانه‌ای دخالت آمریکا در ویتنام، و سیاست‌های بحث‌برانگیز سلطنت که به آمریکا نسبت داده می‌شد، همراه با افزایش اقدامات سرکوبگرانه حکومت.^{۲۳} این نارضایی‌ها در ترکیب با کمبودهای اقتصادی در میانه دهه ۱۹۷۰ -سواى اشتباهات و تردیدهای خود شام- خشم عمومی را علیه او و همین‌طور آمریکا برانگیخت.^{۲۴} با این حال، باید گفت که همزمان با این برداشتهای منفی، دید مثبتی هم نسبت به دولت آمریکا و سرمایه‌گذاری‌های غیرانتفاعی در بخش آموزش و کشاورزی و تبادل فرهنگی ایران وجود داشت.^{۲۵}

جلال آل احمد (۱۹۲۳-۱۹۶۹)، یک چپ‌گرای سکولار که بعداً مسلمان بومی‌گرا شد، یکی از شخصیت‌های دوران‌سازی بود که هم در الهام‌بخشیدن به اپوزیسیون سلطنت و هم در گفتمان جمهوری اسلامی تا امروز صاحب نفوذ محسوب می‌شود. در ۱۹۶۲، او اصطلاح غرب‌زدگی را در کتابی با همین نام بر سر زبان‌ها انداخت که به «ترک هویت فرهنگی سنتی و تقلید چشم و گوش بسته از هر چیز غربی»^{۲۶} اشاره دارد؛ به عبارت دیگر، همان تهاجم فرهنگی. او این اصطلاح را از دیگر متفکر هموطن خود احمد فردید (۱۹۰۹-۱۹۹۴) وام گرفت که معتقد بود تمدن غرب حتی در دوره یونانیان هم فاقد اصول اخلاقی و اخلاقیات بوده است -دیدگاهی که روح‌الله خمینی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی اغلب آن را تکرار می‌کرد- و ورود فلسفه یونانی به فلسفه اسلامی آن را فاسد کرده است.^{۲۷} فردید خواهان بازگشت به شعر و عرفان ایرانی و گذار از غرب به عنوان یک مدل هستی‌شناختی و سبک زندگی و نهایتاً ترک آن بود.^{۲۸} آل احمد چیزی را مطرح کرد که آن را «تناقضات بنیادی بین جامعه ایرانی سنتی و ... کشش مدرنیته غربی» می‌دانست.^{۲۹} در نتیجه، او معتقد بود که

ولایت فقیه پایه‌گذاری کرد که بر مبنای آن رهبر ملت نماینده امام زمان (مهدی موعود) در زمین تا روز ظهور است.^{۳۷} این نظریه تمرکز فقه شیعه را به سمت «پاکسازی سیاست آلوده و اخلاقیات مدرنیته سکولار» معطوف کرد.^{۳۸} خمینی بعد از رسیدن به قدرت یک انقلاب فرهنگی (نه چندان موفق) برای پاکسازی جامعه ایرانی از تأثیرات غرب آغاز کرد.^{۳۹} این انقلاب فرهنگی خود را در سانسور شدید رسانه‌ای و ممنوعیت ویدیو و تکنولوژی وی.اچ.اس که در آن زمان رایج بود (و بعداً لغو شد) نشان داد همراه با حذف مطالب «غیراسلامی» از کتاب‌های درسی، اخراج دانشجویان و استادان، حجاب اجباری و محدودیت‌های دیگر علیه زنان، و تصویب و اعمال قوانین اخلاق عمومی.^{۴۰} خمینی سیاست‌های خود را بر اساس ضدیت شدید با آمریکا و غرب تعریف کرد، و جانشین او، خامنه‌ای، این میراث را با جدیت حفظ کرده است.^{۴۱}

آیت‌الله خامنه‌ای تقریباً از همان ابتدای رهبر شدنش در سال ۱۹۸۹، علناً نگرانی خود را از تهاجم فرهنگی غرب علیه ایران بیان کرد — که بر اساس آن، اشاعه فرهنگ و اندیشه سیاسی مدرن و منحط غربی تهدیدی برای جایگزینی میراث بومی یا تضعیف آن است.^{۴۲} خامنه‌ای حق دارد نگران تهاجم فرهنگی غرب باشد چون اتفاق افتاده و او شکست خورده است. ولی این شکست تا حد زیادی ناشی از فساد رژیم، سوءمدیریتش، سرکوب آزادی‌های مدنی، و تحمیل محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی است که با مقاومت مردم ایران مواجه شد.^{۴۳} با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژیک که دسترسی به محصولات فرهنگی غربی را آسان‌تر می‌کند، بی‌اعتنایی به آرمان‌های حکومت درباره اخلاق عمومی و، در عوض، علاقه به پوشش و موسیقی غربی، فی‌نفسه به مبارزه‌ای منفی بدل شده است.^{۴۴} اقداماتی مثل مخالفت زنان با حجاب باعث شد تا برخی مقامات سطح بالا اثربخشی این قوانین را مورد تردید قرار دهند، ولی بازداشت زنان «بدحجاب» یا کسانی که جرات اعتراض پیدا می‌کنند، کماکان ادامه دارد.^{۴۵}

ولی ایران امروز کشوری کاملاً متفاوت با ایرانی است که خامنه‌ای بیش از سی سال پیش تحویل گرفت. تا سال ۲۰۲۰، جمعیت شهری ایران از ۵۶ درصد به ۷۶ درصد افزایش یافته است.^{۴۶} ایرانی‌ها بسیار سکولارتر شده‌اند، و مقامات جمهوری اسلامی به کاهش شدید رعایت فرائض دینی، و افزایش اقدامات دولتی برای جلوگیری از گرویدن مردم به دین مسیحیت و بهائیت اذعان دارند.^{۴۷} روحانیت دیگر اعتبار اجتماعی گذشته را ندارد چون مردم آن‌ها را عامل شکست‌های کشور می‌دانند، و طبقه مذهبی

مدرنیسم عصر پهلوی تابع منافع ژئوپولیتیک و اقتصادی غرب، و عامل اصلی وابستگی و از خود بیگانگی ایرانی‌هاست.^{۳۰} او اسلام شیعی را — که به عقیده خودش، در هویت ایرانی حک شده است — مجرای برای بازگشت ایران به خود حقیقی‌اش می‌دانست و خواستار مدرنیته بر این بنیان‌ها بود.^{۳۱} در عین حال، آل احمد ادعاهای مخدوشی هم مطرح می‌کرد مثل اینکه غرب را مسئول قرن‌ها توطئه برای هدف گرفتن وحدت مسلمانان از زمان جنگ‌های صلیبی می‌دانست. از نظر او، غربی‌ها «در زمان صفویان (۱۵۰۱-۱۷۳۶) شیعیان را به خونریزی [کشتار اهل سنت] تحریک کردند»، و بین ایران و امپراتوری عثمانی (قرن ۱۶ تا ۱۹) به جنگ افروزی پرداختند، و «بهائیت را تشویق کردند»؛ مذهبی که در قرن نوزدهم در ایران پایه‌گذاری شد.^{۳۲} این‌گونه توطئه‌اندیشی‌ها در گفتگوهای جریان اصلی اسلامگرایان تا امروز هم مشهود است. سانسور آثار آل احمد از سوی حکومت پادشاهی نیز جاذبه او را در میان مخالفان بیشتر کرد.

یک سال پس از انتشار کتاب آل احمد، حکومت پهلوی در ۱۹۶۳ انقلاب سفید را آغاز کرد که یک برنامه مدرنیزاسیون با هدف نزدیک‌تر کردن ایران به دنیای غرب از طریق اقداماتی مثل اصلاحات ارضی و حق رای زنان بود.^{۳۳} این برنامه با انتقاد برخی متفکران سکولار، زمین‌داران بزرگ، و روحانیون ستیزه‌جو مواجه شد.^{۳۴} پس از آن، آیت‌الله خمینی فعالیت ضدسلطنتی خود را آغاز کرد و مشخصاً اعلام داشت که سلطنت دنبال این است که «احکام ضروریه اسلام و قرآن کریم را زیر پا بگذارد، یعنی دخترهای هجده ساله را به نظام اجباری ببرد و به سربازخانه‌ها بکشد، یعنی با زور سرنیزه دخترهای جوان عقیف مسلمانان را به مراکز فحشا ببرد».^{۳۵} در این زمینه اجتماعی، علی شریعتی، اندیشمند دینی غیرروحانی، شخصیتی کاریزماتیک که کت و شلوار می‌پوشید و کراوات می‌بست، سخنرانی‌هایی را در اواخر دهه ۱۹۶۰ و طی دهه ۱۹۷۰ برگزار کرد که خواستار گونه انقلابی اسلام شیعی برای نجات ایران و فرهنگ بومی آن بود. ایده او همزمان با انتقاد از سلطنت، مارکسیسم، و روحانیون محافظه‌کار، بر کشف دوباره گذشته خیالی مقدسی قرار داشت که آکنده از مومنان صالح اولیه و امامان شیعه بود.^{۳۶}

خمینی نظریه‌ای در فقه شیعه طرح کرد که یکی از ستون‌های آن مدرنیته ضد-سکولار بود. خمینی که خودش شخصیتی عمیقاً کاریزماتیک بود، لباس ضد-سلطنت بر تن کرد و نهایتاً بر بقیه شخصیت‌های اپوزیسیون از جمله اعضای جامعه سکولار آن برتری یافت و در سال ۱۹۷۹ حکومتی دینی را بر اساس اصل

با بی‌احترامی فزاینده و ناسزاگویی عمومی مواجه شده است.^{۴۸} باز هم به عنوان نمونه‌ای از دورشدن جامعه از ارزش‌های تبلیغی حکومت، نگرش ایرانی‌ها نسبت به رفتارهای جنسی خصوصاً میان جوانان آزادتر شده است.^{۴۹} در عین حال، بحران‌های اجتماعی-سیاسی مثل نابرابری، زوال طبقه متوسط، بزهکاری، اعتیاد، خودکشی، میل عمومی به مهاجرت، و مسائل مرتبط با محیط زیست از جمله خشکسالی به سطوح نگران‌کننده‌ای رسیده است.^{۵۰}

اسلامگرایان به اصطلاح انقلابی اذعان دارند که حکومت و جامعه ایران کاملاً «اسلامی» نیستند. این کلمه حتی از همان ابتدا هم در امور حکومتی از جمله برنامه‌ریزی اقتصادی دچار ابهام بود، و تا یک دهه بعد از انقلاب ۱۹۷۹، سیاست‌گذاری حکومت بر اساس مدل‌های غربی بود که از آرمان‌های ابتدای دوره انقلاب انحراف داشت.^{۵۱} آثار به اصطلاح اسلامی کردن در رسانه‌ها و نهادهای آموزشی محسوس بود، ولی مقامات ارشد ایران به شکلی فراگیر دریافته‌اند که این تلاش‌ها بی‌ثمر است و جمهوری اسلامی جایگزینی جذاب برای سبک زندگی غربی ارائه نکرده است.^{۵۲} رهبری ایران در مواجهه با این مشکلات، اقدامات جدیدی به منظور احیای تعهد ایدئولوژیک، حداقل در میان پایگاه حامیان خود، آغاز کرد (که در ادامه این جستار به آن پرداخته خواهد شد).

و اما نگرانی کمتر نسبت به تهاجم فرهنگی روسیه

گرچه سیاست‌های غرب در قبال ایران طی دو قرن گذشته تأثیر آشکاری بر برداشت‌های ایرانیان و اسلامگرایان داشته است، این سیاست‌ها به‌تنهایی روشن نمی‌کند که چرا جمهوری اسلامی دشمنی خود را شامل روسیه نکرده یا خطری مهلک از سوی روسیه نمی‌بیند.

با توجه به تاریخ روسیه در قبال ایران و مسلمانان، این عدم خصومت و نگرانی قابل توجه است. طی جنگ‌های ایران و روس در اوایل قرن نوزدهم، روسیه اراضی ایران را در جنوب قفقاز و آسیای میانه به خاک خود ضمیمه کرد. در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، روسیه و بریتانیا ایران را به مناطق نفوذ خود قسمت کردند.^{۵۳} از سال ۱۹۱۲ تا انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷، نیروهای تزاری طی یک عملیات وحشیانه که غیرنظامیان را هدف

می‌گرفت شمال ایران را اشغال کردند.^{۵۴} بعد از جنگ جهانی دوم، اتحاد شوروی رویای الحاق اراضی ایران را در سر داشت، و از گروه‌های جدایی‌طلب کم‌دوام مثل جمهوری کرد مهاباد و حکومت خلق آذربایجان حمایت کرد.^{۵۵} سرکوب اسلام درون مرزهای شوروی امری است که به خوبی مستند شده است و، در دهه ۱۹۴۰، استالین تمام جمعیت مسلمانان چچن و اینگوش را تبعید کرد.^{۵۶} در دوران جمهوری اسلامی، طی دهه ۱۹۸۰، کرملین به افغانستان حمله کرد، و صدها هزار افغان را کشت و بیخانمان ساخت.^{۵۷} طی جنگ شوروی و افغانستان، سپاه پاسداران به تعلیم و حمایت افغان‌ها برای جهاد علیه ارتش سرخ مشغول بود.^{۵۸} با این همه، پاسخ تهران از دهه ۱۹۹۰ در قبال جنگ‌های وحشیانه چچن که شامل حملات بی‌تمایز (روسیه) به نظامیان و غیرنظامیان بود، همیشه به ملاحظات مربوط به پیوندها با مسکو آلوده بوده است.^{۵۹} تهاجم کرملین علیه مسلمانان مثلاً مانع از این نشد که خامنه‌ای با روسیه متحد شود تا قیام مسلمانان سنی در سوریه را سرکوب کند.

امروز خامنه‌ای و اسلامگراها، به طور کلی، گرایشی قوی به اتحاد با روسیه علیه غرب دارند. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه، مثل علی خامنه‌ای، بی‌زاری خود را از آنچه که هر دو نمایش فرهنگ لیبرال و منحط غربی خوانده‌اند، بیان کرده است.^{۶۰} این دست انتقادات یادآور انتقادات اروپاییان از آمریکا در دهه‌های پیشین است؛ مثلاً برخی متفکران آلمانی اوایل تا میانه قرن بیستم آمریکا را به لحاظ مادی پیشرفته ولی بدون فرهنگ و روح توصیف می‌کردند. این انتقادات شبیه انتقادات جاری محافظه‌کاران آمریکایی نسبت به هالیوود و سلطه مفروض لیبرال‌ها بر جریان اصلی محصولات فرهنگی هم هست.^{۶۱} پوتین حتی به ترویج دین، در این مورد مسیحیت ارتدوکس، هم پرداخته است تا سنگری محافظ علیه فرهنگ به خیال او منحط غربی و طرد اخلاقیات مسیحی باشد و اتحاد دولت را با «پاتریارک مسکو» تقویت کرده است.^{۶۲}

اگر جمهوری اسلامی سیاست‌های مسلمان‌هراسانه روسیه را عمدتاً نادیده می‌گیرد، در مورد شیوه‌های چین بر ضد مسلمانان اوضاع حتی بدتر است. آزار مسلمانان اوغور از سوی پکن، که نقض کنوانسیون نسل‌کشی ۱۹۴۸ است، مانع تجارت ایران با چین نشده و میل تهران برای اتحاد استراتژیک با پکن را از بین نبرده است.^{۶۳} در واقع، مقامات ایران از چین به خاطر آزار جمعیت مسلمانان خود انتقاد هم نکرده‌اند.^{۶۴}

ترس از جنگ نرم

در ژانویه ۱۹۸۹، آیت‌الله خمینی در نامه‌ای به رهبر وقت شوروی، میخائیل گورباچف، درباره مرگ قریب‌الوقوع کمونیسم هشدار داد و گفت که مارکسیسم «مکتبی است مادی و با مادیت نمی‌توان بشریت را از بحران عدم اعتقاد به معنویت، که اساسی‌ترین درد جامعه بشری در غرب و شرق است، به درآورد».^{۶۵} او از رهبر شوروی خواست به آزار مذهبی پایان دهد و او را دعوت به مطالعه اسلام کرد.

گرچه نامه خمینی به گورباچف در فاصله کمتر از دو سال پیش از فروپاشی اتحاد شوروی، از سوی جمهوری اسلامی به عنوان نشانه‌ای از عظمت و قدرت پیشگویی آیت‌الله تبلیغ شد، اسلامگراها به مرور زمان این فروپاشی را صرفاً رویدادی منفی دیدند که آمریکا عامل آن بوده است. همان‌طور که کریم سجادی در بیوگرافی علی خامنه‌ای اشاره کرده است، «بنا به گفته افراد مورد اعتماد خامنه‌ای، رهبر ایران زمان زیادی صرف کرد که هم از شرایط داخلی شوروی - که به فروپاشی آن کشور و دولت‌های بلوک شرق منجر شد - سر درآورد و هم تاکتیک‌هایی را بررسی کند که دولت آمریکا برای تسهیل سقوط شوروی به خدمت گرفت».^{۶۶} در واقع، چند سال بعد، خامنه‌ای در یک سخنرانی از یادداشت‌های روزانه خود در سال ۱۹۹۱ و تدوین نظریه خودش درباره «طرح آمریکایی فروپاشی شوروی» بعد از دریافت «اطلاعات فراوانی از ... منابع مهم روسی و غیرروسی» صحبت کرده است.^{۶۷} او می‌گوید:

این طرح امریکایی یا غربی ... یک طرح نظامی نبود. در درجه اول، یک طرح رسانه‌ای بود که عمدتاً به وسیله تابلو، پلاکارد، روزنامه، فیلم و غیره اجرا شد... اگر کسی محاسبه کند، می‌بیند که حدود پنجاه، شصت درصد آن مربوط به تاثیر رسانه‌ها و ابزارهای فرهنگی بود. عزیزان من! مسأله تهاجم فرهنگی را - که من هفت، هشت سال پیش مطرح کردم - جدی بگیرید.^{۶۸}

خامنه‌ای مفصلاً درباره این که چگونه غرب گورباچف را «فریب داد»، سخن می‌گوید - کسی که اصلاحات سیاسی و اقتصادی و آزادی‌های دهه ۱۹۸۰ را در شوروی پیاده کرد و از سرکوب قیام‌های مردمی در ۱۹۹۱ خودداری کرد، و نهایتاً اتحاد شوروی را منحل ساخت - و معتقد است این فریب با «آغوش باز، چهره خندان، تجلیل، و احترام» از گورباچف همراه بود.^{۶۹} سخنان رهبر

ایران مضمون و لحن تفسیر اسلامگراها از فروپاشی شوروی را شکل داده، درس‌هایی را که آن‌ها باید از سیاست ایران در قبال آمریکا بیاموزند مشخص ساخته و نحوه برخورد آنان در قبال تقاضای اصلاحات و بازکردن فضای داخلی ایران را نیز معین کرده است. برای نمونه، مهسا ماه‌پیشانیان در مقاله‌ای در فصلنامه مطالعات عملیات روانی در اوایل سال ۲۰۰۸، از «جنگ نرم» آمریکا علیه اتحاد جماهیر شوروی در اواخر دهه ۱۹۸۰ طی گلاس‌نوست برای «به زانو درآوردن بلوک شرق و فروپاشی از درون» سخن می‌گوید چون به نظر او جنگ سخت و رودررو با اتحاد جماهیر شوروی از دید مقامات ارشد نظامی و امنیتی آمریکا گزینه مناسبی نبود.^{۷۰}

در پی اعتراضات به نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۸۸ / ۲۰۰۹، وقتی اصطلاح جنگ نرم بین نیروهای سپاهی و اسلامگراها رایج شده بود، یکی از موضوعاتی که مدام تکرار می‌شد این بود که آمریکا در حال تکرار همان استراتژی جنگ نرم برای سرنگونی شوروی در مورد ایران است.^{۷۱} لذا، سردار مسعود جزایری، جانشین سابق ستاد کل نیروهای مسلح و مشاور فعلی فرمانده ستاد، در یک «کارگاه جنگ نرم» که در سال ۲۰۱۳ در دانشگاه تهران برگزار شد گفت که «غرب بعد از فروپاشی جماهیر شوروی به سراغ انقلاب اسلامی آمد و مجموعه تجارب خود را در این صحنه عملیاتی به کار بسته است»؛ به گفته او غرب این تجارب را طی «قرن‌ها» برای «تغییر در باورها» و گسترش «تفکر و فرهنگ غربی» کسب کرده است.^{۷۲} مقایسه رؤسای جمهور محمد خاتمی (۱۹۹۷-۲۰۰۵) و حسن روحانی (۲۰۲۱-۲۰۱۳) با گورباچف از سوی غربی‌ها بی‌شک این ترس را تشدید کرد.^{۷۳} مثلاً در سال ۲۰۰۰ خامنه‌ای اعلام کرد که «[غربی‌ها]... اشتباه اول‌شان این است که آقای خاتمی، گورباچف نیست. اشتباه دوم‌شان این است که اسلام، کمونیسم نیست».^{۷۴}

بعد از برنامه جامع اقدام مشترک در سال ۲۰۱۵، موسوم به برجام، علی سعیدی - نماینده وقت رهبر در سپاه پاسداران و رئیس فعلی دفتر عقیدتی-سیاسی فرمانده کل قوا - در همایش طلاب و روحانیون بسیجی گفت: «آمریکا با توپ و تانک و حمله نظامی امپراتوری شوروی را ساقط نکرد، بلکه از طریق همین استحاله فرهنگی و تاسیس شعبه‌های مک‌دونالد به هدف خود که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی باشد، رسید».^{۷۵} در سال ۲۰۱۷، سعیدی هشدار داد که واشنگتن دنبال تکرار فرمول «شوروی‌سازی» در قالب فروپاشی جمهوری اسلامی از درون است.^{۷۶} چندین نفر از مقامات و کارشناسان ایرانی هم درباره سرنوشت

انقلاب مائوئیستی چین هشدار داده‌اند؛ چون حزب کمونیست چین تصمیم گرفت درهای چین را به روی جهان خارج باز کند. این هشدارها و انتقادات با توجه به مواضع تهاجمی اخیر پکن علیه آمریکا طی سال‌های اخیر، کمرنگ شده است. برخی جناح‌ها در ایران، همسو با شخصیت‌هایی مثل رئیس‌جمهور سابق اکبر هاشمی رفسنجانی که مرشد و مربی حسن روحانی بود، مدل چینی اولویت‌دادن به توسعه و رشد اقتصادی را برای حفظ نظام حاکم تحسین کرده‌اند،^{۷۷} گرچه انقلابی‌ها به خاطر این فرض که ایدئولوژی در پای منافع اقتصادی قربانی می‌شود، منتقد آن اند. در سال ۲۰۱۶، حسن عباسی عضو سابق سپاه و کارشناس شناخته‌شده فعلی با صحبت از «مدل چینی نفوذ» که در آن «چین از درون لیبرالیزه شد بدون آن‌که مارکسیسم را کنار بگذارد»، «جریان غرب‌گرا و لیبرال» در دولت روحانی را متهم به تکرار آن مدل کرد.^{۷۸} همین‌طور، علی سعیدی عضو ارشد سابق سپاه در سال ۲۰۱۷ هشدار داد که غرب به دنبال تکرار فرمول سقوط شوروی و «استحاله انقلاب چین از درون» است.^{۷۹}

در سال ۲۰۱۶، سیامک باقری چوکامی — از پژوهشگران دانشگاه امام صادق که از مراکز پرورش مقامات جمهوری اسلامی است — در کتابی به زبان فارسی با عنوان موج چهارم جنگ نرم، دوران جنگ سرد را «موج سوم» جنگ نرم می‌خواند که مشخصه آن پیشرفت ارتباطات جمعی مثل تلویزیون بود؛ امری که به آمریکا امکان داد با هدف تضعیف حکمرانی در بلوک شرق، به مخالفان شوروی در سازمان‌دهی و جلب حمایت کمک برساند.^{۸۰} چوکامی به «جنگ فرهنگی و استحاله فرهنگی ملت‌های دیگر» اشاره می‌کند که «برخی منتقدان مدرنیست و پست‌مدرن آن را امپریالیسم فرهنگی خوانده‌اند».^{۸۱} او متنی را از جرمی تونستال نقل می‌کند که محصولات فرهنگی غربی را ابزاری موثر می‌داند که از طریق آن «فرهنگ‌های بومی، سنتی و خالص در بسیاری از بخش‌های دنیا نابود می‌شود». چوکامی همچنین مدعی است که آمریکا «افراد لیبرال دموکرات و روشنفکران» را سازمان‌دهی می‌کند تا «از طریق بنیادهای ظاهراً خیریه، نظام کاپیتالیستی را تحکیم کنند»؛ و برای نمونه از بنیادهای راکفلر، فورد، و کارنگی یاد می‌کند. بنا به ادعای او، دانشگاه‌های تحت حمایت مالی آمریکا در ایران طی حکومت پهلوی نیت‌شان «پیشبرد برنامه مدرنیزاسیون ایران مطابق انقلاب سفید» بوده است.^{۸۲}

چوکامی همین‌طور مطالب زیادی را از کتاب «کی پول نوازنده را داد؟» ذکر می‌کند که در سال ۱۹۹۹ منتشر شد و بر تلاش‌های سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا برای نفوذ در جنبش‌های هنری

و جلب همکاری آن‌ها برای مبارزه با نفوذ شوروی و گسترش نفوذ آمریکا تمرکز دارد. او می‌گوید این‌گونه تلاش‌ها آزادی فکری را تضعیف کرد.^{۸۳} مروری بر ترجمه این کتاب در شماره زمستان ۲۰۰۶-۲۰۰۵ فصلنامه مطالعات عملیات روانی منتشر شد که مدعی بود سی.آی.ای با موفقیت از روزنامه‌نگاران، هنرمندان، فیلمسازان، منتقدان، استادان دانشگاه، و دانشجویان و «حتی شخصیت‌ها و نخبگان شوروی در پروژه فروپاشی امپراتوری شوروی سابق از درون» بهره‌گیری کرد و حال پس از جنگ سرد توجه سرویس‌های اطلاعاتی به طرف «مسلمانان» تغییر کرده است.^{۸۴} مقاله‌ای در شماره تابستان ۲۰۰۷ این فصلنامه هم مدعی می‌شود که آمریکا در حال تکرار راهبرد خود در جنگ سرد و مهار شوروی سابق در قبال جمهوری اسلامی است.^{۸۵} تحلیلگرانی چون علی فلاحی انقلاب‌های رنگین در بلوک پسا-شوروی، مثل انقلاب‌های گرجستان و اوکراین، را کمپین‌هایی پیشرفته‌تر توصیف می‌کنند که با کمک پیشرفت‌های تکنولوژیک آمریکا در بخش ارتباط جمعی میسر شده است.^{۸۶}

نشریه سپاه هم خطابه ارائه می‌کند هم سیاست‌گذاری

فصلنامه مطالعات عملیات روانی که از سوی معاونت فرهنگی و اجتماعی سپاه منتشر می‌شود، پنجره باارزشی برای دیدن جهان‌بینی اسلام‌گرایان تندرو حاکم بر نهادهای نظامی و امنیتی است. تحلیل‌های چاپ‌شده در این فصلنامه در اظهارات مقامات نظامی و غیرنظامی در مورد جنگ نرم بازتاب داشته است. این فصلنامه از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۸ منتشر شد؛ توقف انتشار آن مصادف شد با بی‌ثباتی بازار کاغذ در ایران که بسیاری از ناشران را وادار کرد تا فعالیت چاپ خود را کاهش دهند یا کلاً کار چاپ را متوقف کنند.

مروری بر شماره‌های این فصلنامه نشان می‌دهد که نویسندگان آن نگران تلاش هماهنگ غرب و آمریکا برای جنگی به منظور تخریب فرهنگ و ارزش‌های جمهوری اسلامی هستند که از طریق تکنولوژی‌های جدید مثل اینترنت، در دولت‌های چند رئیس‌جمهوری آمریکا شایع بوده است. ایده «جنگ نرم» در نیمه دهه ۲۰۰۰ تا اواخر آن وارد گفتار سیاسی شد و این اصطلاح در پی اعتراضات انتخاباتی سال ۲۰۰۹ تبلور ترس‌های جمهوری اسلامی بوده است. در تمام دوره دولت اوباما این احساس تهدید شدت داشت و به دنبال برجام بیشتر شد. برخی پیشنهاد‌های

می‌دهد: ائتلافی بین کشورهای غربی برای جنگ روانی علیه ایران.^{۹۱}

مجموعه دیگری از مقالات این فصلنامه خواستار توجه به تلاش‌های مفروض غرب برای استفاده از بازی‌های ویدیویی و هالیوود در جهت ضربه زدن به جمهوری اسلامی است. در این که هالیوود چهره‌ای بد و کلیشه‌ای از برخی گروه‌ها به تصویر کشیده است شکی نیست. ولی جریان اصلی گفتمان اسلامیستی درباره بازی‌های ویدیویی و سرگرمی سینما در این موارد به راحتی به سمت نظریه توطئه و یهودستیزی منحرف شده است. مثلاً مهدی حق وردی طاقانکی با اشاره به «ساعات بازی کاربر»، بازی‌های ویدیویی را «صنعت نوظهور بازی‌های رایانه‌ای» معرفی می‌کند که «به ابزار نوین عملیات روانی» و ابزار سیاست‌گذاران آمریکا تبدیل شده است.^{۹۲} در مقاله‌ای با عنوان «سینما، ابزار قدرت نرم صهیونیسم با تأکید بر هالیوود»، مهسا ماه‌پیشانیان کلیشه‌های ضدیهودی درباره کنترل یهودیان بر هالیوود و رسانه‌های جهانی را تکرار می‌کند.^{۹۳} فیلم‌هایی که اهالی پرشیا یا ایرانیان را به نحوی ناخوشایند به تصویر کشیده‌اند، مثلاً «اسکندر» (۲۰۰۴)، «۳۰۰» (۲۰۰۷)، و «کشتی گیر» (۲۰۰۸)، بخشی از یک توطئه عمیق‌تر و شروانه‌تر در حمایت از سیاست آمریکا برای تخریب فعالانه ایران توصیف شده است.^{۹۴} برای همین، جمهوری اسلامی شدیداً فیلم «آرگو» را محکوم کرد.^{۹۵} در کنفرانسی در تهران به نام «هالیوودیسم»، یک به اصطلاح «کارشناس فیلم‌های ضدایرانی و ضداسلامی» به نیویورک تایمز گفت که «هالیوود صنعتی عادی نیست؛ توطئه‌ای از سوی کاپیتالیسم و صهیونیسم است. ما باید به این فیلم (آرگو) و فیلم‌های دیگر جواب بدهیم».^{۹۶} در این کنفرانس، شرکت‌کنندگان آمریکایی و غربی دیگر هم حضور داشتند؛ از جمله سردبیر یک مجله محافظه‌کار مسیحی که دولت ایران را به خاطر منع هرگونه نمایش جنسی ستایش می‌کرد، و یک سناتور سابق که می‌گفت هالیوود برای پیشبرد جنگ با ایران تصویری منفی از این کشور ترسیم می‌کند، و یک کنشگر مسلمان اهل شیکاگو که خواستار ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای اسلامی برای مقابله با «تهاجم فرهنگی» فیلم‌های غربی بود.^{۹۷} در واقع، جمهوری اسلامی از مهمانان خارجی دعوت می‌کند تا ادعاهای خود را مشروع و طبیعی جلوه دهد.

در نمونه دیگری از جهان‌بینی توطئه‌باور که جمهوری اسلامی تبلیغ می‌کند، رسانه‌های حکومتی و وابسته به آن مقالاتی منتشر کرده‌اند که ادعایشان این است که هالیوود در پی تخریب ظهور

غرب و نیز بخش‌هایی در خود ایران برای عادی‌سازی روابط با جهان به خاطر تسهیل سرمایه‌گذاری غربی، و تقویت میانه‌روها در ایران و نهایتاً رسیدن به تنش‌زدایی، سهواً منجر به تشدید ترس‌های مربوط به تغییر رژیم شد که سال‌ها پیش از وجود برجام شکل گرفته بود.

نگرانی‌ها از جنگ اطلاع‌رسانی به رهبری غرب در دهه ۱۹۹۰ شدت گرفت و مصادف بود با پیشرفت‌های تکنولوژیک که گردش اطلاعات به داخل ایران را بیش از هر زمان دیگری افزایش داد. تکنولوژی‌هایی مثل ماهواره‌ها و اینترنت نه تنها مجموعه وسیعی از سرگرمی ارائه می‌دادند که محتوایی را هم ترویج می‌کردند که با سبک زندگی مذهبی‌ای که رسانه‌های جمهوری اسلامی تبلیغ می‌کردند کاملاً متفاوت و آزادتر بود.^{۸۷}

در این میانه، نسل ایرانیانی که خاطره اندکی از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ یا جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) داشتند—که تجسم آغازین ارزش‌های انقلابی و دینی بود—به بلوغ رسیده بودند. این نسل به شکلی روزافزون محتوای یادشده را مصرف می‌کرد و تمایل به پوشش و ذائقه غربی نشان می‌داد و دنبال تغییرات کثرت‌گراتر و دموکراتیک‌تر بود که شمه‌ای از آن خود را در انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۹۷ در قالب رای به اصلاح‌طلبان—چپ‌های اسلامی سابق—نشان داد چون این گروه کارزار انتخاباتی خود را بر اساس تساهل در هنجارهای سیاسی و اجتماعی و حتی نهایتاً مردم‌سالاری پیش می‌بردند.^{۸۸} فرماندهان سپاه و افراد به اصطلاح انقلابی این تحولات را به توطئه غرب نسبت می‌دادند و با نگرانی و بدگمانی به آن نگاه می‌کردند. در پی سرکوب اعتراضات دانشجویی سال ۱۹۹۹، این گروه تلاش‌های خود را برای ممانعت از تغییری که آن را تهدید انقلاب و دین می‌پنداشتند، دوچندان کردند.^{۸۹}

فصلنامه مطالعات عملیات روانی در چنین بستری از تحولات و در میان هراس اسلام‌گرایان از نسل جدید ایرانیان آغاز به کار کرد. در این فصلنامه، تاریخ صدر اسلام در چارچوب عملیات‌های روانی له یا علیه پیامبر اسلام و امامان شیعه بازنویسی شده است؛ همان‌طور که در مقاله‌ای با عنوان «سیری در عملیات روانی در اسلام»^{۹۰} به قلم حجت‌الاسلام مهدی طائب آمده است. طائب مسئول قرارگاه عمار است که اندیشکده‌ای طرفدار خامنه‌ای است و برادرش حسین طائب رئیس سازمان اطلاعات سپاه است. درسی که از تاریخ آموخته می‌شود این است که کلید موفقیت علیه جنگ روانی فعلی در قرآن و در اصول دینی اسلام وجود دارد. (مقاله دیگری نگرانی‌ها از «ناتوی فرهنگی» را نشان

ولی وقتی تیم امنیت ملی خود را جمع کردم، کارشناسان ما در امور ایران [با مداخلاتی از آن دست] مخالف بودند. به گفته آن‌ها، هر حرفی از طرف من احتمالاً نتیجه عکس خواهد داشت. تدریجاً رژیماً از پیش دربار این‌که عوامل خارجی در پس اعتراضات هستند قصه‌بافی می‌کردند، و فعالان داخل ایران می‌ترسیدند که از هرگونه اظهار حمایت از طرف دولت آمریکا، در جهت بی‌اعتبار کردن جنبش آن‌ها سوءاستفاده شود... من حس کردم موظف‌ام این هشدارها را جدی بگیرم و با صدور رشته‌ای از بیانیه‌های ملایم و بوروکراتیک موافقت کردم: «ما کماکان تمام موقعیت را از نزدیک زیر نظر داریم»؛ «حقوق جهانی تجمع و آزادی بیان باید محترم شمرده شوند»... با تشدید خشونت‌ها، لحن محکومیت‌های من هم شدت گرفت... ولی این رویکرد منفعل به مذاق من خوش نمی‌آمد و دلیل‌اش هم فقط این نبود که باید به فریاد جمهوری خواهان گوش بدهم که معتقد بودند من در حال امتیاز دادن به یک رژیم جنایتکار هستم.^{۱۰۳}

در پی اعتراضات به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹، اصطلاح جنگ نرم بین انقلابی‌های تندرو رایج شد. این اعتراضات چندین ماه ادامه یافت، ولی اوج آن در ماه ژوئن بود که در پی مخالفت آشکار رهبران جنبش سبز با نتایج انتخابات -از جمله میرحسین موسوی که در دهه ۱۹۸۰ نخست‌وزیر بود- با حضور جمعیت‌های انبوه شکل گرفت.^{۱۰۴} علی‌خامنه‌ای در سخنرانی‌های متعدد این اصطلاح را بارها به زبان آورد و به پیروانش گفت که شورشی که شاهد آن هستید، در واقع، نتیجه عملیات غرب برای فروپاشی جمهوری اسلامی از درون است.^{۱۰۵} وقتی در سال ۲۰۱۲ آمریکا در پاسخ به برنامه هسته‌ای ایران کارزار تحریم‌های خود را، از جمله اعمال یک تحریم نفتی، شدت بخشید، خامنه‌ای و سپاه آن را جبهه دیگری از یک جنگ نرم گسترده‌تر می‌دانستند.^{۱۰۶} فصلنامه مطالعات عملیات روانی سپاه ده‌ها مقاله و پژوهش برای تعریف جنگ نرم منتشر کرد، و بارها دو اصطلاح جنگ نرم و عملیات روانی را به جای هم استفاده کرد. در شماره زمستان ۲۰۱۲/بهار ۲۰۱۳، نویسندگان روح‌الله غلامی، میثم بلباسی و علی ابراهیمی قدرت نرم را بهره‌برداری از «ابزارهایی چون رسانه‌های دیداری و شنیداری، جنگ سایبری و عملیات روانی» تعریف کردند.^{۱۰۷}

محسن مطلبی جونقانی نوشت که این نوع جنگ «دگرگونی بدون خونریزی یا براندازی بدون خشونت است که در قرون گذشته به این صورت وجود نداشته است» و امروز به خاطر ظهور

امام‌زمن شیعیان است. در یک مورد، یکی از اعضای «انجمن علمی مهدویت» دانشگاه امام حسین مقاله‌ای را در خبرگزاری جمهوری اسلامی منتشر کرد که مدعی شد چهره‌های منفی در فیلم‌های تبدیل‌شوندگان ۲، مرد پولادین، و مردان ایکس: آخرالزمان همگی این قدرت ماورائی را دارند که پیام خود را به زبان مادری‌شان به مخاطبان جهانی برسانند؛ ویژگی‌ای که بنا به ادعای این مقاله اولین معجزه امام‌زمن است.^{۹۸} روحانیون، مقامات فرهنگی اسلامی و کارشناسان ادعاهای مشابهی را در قالب‌های مختلف درباره هدف گرفتن امام‌زمن از سوی هالیوود مطرح کرده‌اند.^{۹۹}

کتاب قدرت نرم جوزف نای تاثیر زیادی بر مطالب فصلنامه مطالعات عملیات روانی و گفتمان مقامات ایرانی داشته است. عبارت جدید «قدرت نرم» و اصطلاح «جنگ روانی» اغلب به جای هم استفاده شده‌اند. اصطلاح «جنگ نرم» مکرراً در شماره تابستان ۲۰۰۷ ظاهر شده است که در آن علیرضا محمودی حقوق بشر را «ابزار جنگ نرم آمریکا» خوانده است؛ ابزاری که سیاست‌گذاران آمریکایی آن را «در راستای هماهنگ کردن نظام بین‌الملل با هژمونی طلبی (آمریکا)» طراحی کرده‌اند.^{۱۰۰} محمد اسلام‌پاری و سید احمد عسکری در شماره زمستان ۲۰۰۸ (و ۲۰۰۹) این فصلنامه ادعا کرده‌اند که آمریکا علیه جمهوری اسلامی به «جنگ‌های نرم و تبلیغاتی» روی خواهد آورد چرا که جنگ نظامی با ایران در پی اشغال عراق و افغانستان «هزینه‌ای سنگین» دارد.^{۱۰۱}

از این‌رو، وقتی رهبران جنبش سبز آنچه را که عموم مردم تقلب در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ می‌دانستند محکوم کردند، اعتراضات انتخاباتی با این دید ارزیابی می‌شد که پیشگویی‌ها و نگرانی‌ها درباره تکرار توطئه غرب برای سرنگونی جمهوری اسلامی از درون دارد محقق می‌شود؛ چیزی که از نظر این فصلنامه در اتحاد شوروی و بعداً در انقلاب‌های رنگین کشورهای سابق بلوک شوروی آزمایش شده است. گفتار سیاسی فصلنامه سپاه به اظهارات و سیاست رسمی بدل شد؛ مثلاً، مقامات ارشد نظام، استدلال اسلام‌پاری و عسکری را مبنی بر این‌که واشنگتن به خاطر گرفتاری در باتلاق‌های عراق و افغانستان به جنگ نرم علیه تهران متوسل شده است، تکرار کردند.^{۱۰۲}

جمهوری اسلامی این موضوع را تبلیغ کرده است که واشنگتن دنبال سرنگونی رژیم است، حتی وقتی پرزیدنت اوباما نشان داد که چنین چیزی نمی‌خواهد. اوباما در خاطرات بعد از ریاست جمهوری خود موضوع را این‌گونه شرح می‌دهد:

متفاوت در مورد نحوه برخورد آن‌ها با بقیه دنیا و نحوه برخورد آن‌ها با کشورهای مثل آمریکا است.^{۱۱۳}

تبدیل نگرانی از تهدید، به نگرانی از «نفوذ»

در این میانه، وبسایت رهبر ایران سر مقاله‌ای با عنوان «گزینه نفوذ، نقشه جدید آمریکا» منتشر کرد که مشخصاً حرف‌های او با ما را که در بالا نقل شد برجسته می‌ساخت. همزمان در آمریکا، گزارشی از سوی «مرکز امنیت جدید آمریکا» توصیه کرد که «آمریکا باید از فضای ایجاد شده به خاطر گفتگوهای هسته‌ای با ایران استفاده کند و شبکه حامیان غرب در ایران را برای ایجاد تغییر سیاسی-فرهنگی در ایران فعال سازد».^{۱۱۴} خامنه‌ای در یکی از سخنرانی‌هایش بعد از توافق برجام هشدار داد: «آمریکایی‌ها می‌خواهند [از طریق توافق هسته‌ای] وسیله‌ای برای نفوذ در ایران بسازند... اما ما این راه را قاطعانه بسته‌ایم و با همه توان بالای خود، اجازه نفوذ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و یا حضور سیاسی در ایران را به آمریکایی‌ها نمی‌دهیم».^{۱۱۵} رهبر ایران در یک سخنرانی در جمع اعضای سپاه در سپتامبر ۲۰۱۵ درباره خطر «نفوذ» اقتصادی و امنیتی غرب در جمهوری اسلامی هشدار می‌دهد، ولی نفوذ فرهنگی و سیاسی احتمالی در «مراکز تصمیم‌گیری» را -که اشاره‌ای نه چندان ظریف به هواداران همکاری با غرب است- دارای «خطر» بسیار بالاتری ذکر می‌کند.^{۱۱۶}

فصلنامه مطالعات عملیات روانی در بهار/تابستان ۲۰۱۵ یک شماره ویژه «نفوذ» منتشر کرد که درباره تغییر تاکتیک‌های غرب برای تضعیف موثرتر حکومت ایران هشدار می‌داد. محمد پورخوش سعادت در مقاله‌ای با عنوان «تبادلات آکادمیک؛ راهبرد نفوذ، مطالعه موردی دیپلماسی عمومی آلمان در قبال ایران»، هشدار می‌دهد که «ارتباطات آموزشی فرهنگی و تبادلات آکادمیک» یکی از «راهبردهای جنگ نرم» است که «هویت» دانشجویان مبادله‌ای را تغییر خواهد داد، طوری که وقتی آن‌ها به میهن خود برمی‌گردند به عنوان «مدافع منافع کشور [خارجی] میزبان» ایفای نقش کنند.^{۱۱۷} یعنی در حالی که سیاست‌گذاران غربی این تبادلات را راه‌هایی مفید برای ترویج تفاهم و کاهش تنش‌های دوجانبه می‌دیدند، مقاله سعادت مشخصاً موسسه تبادلات آکادمیک آلمان را «یکی از مهم‌ترین تهدیدهای فراروی انقلاب اسلامی در حوزه علمی و فرهنگ» معرفی می‌کند.^{۱۱۸}

تکنولوژی مدرن ممکن شده و همراه است با رسانه‌هایی که به مهاجم امکان می‌دهد «بدون اشغال نظامی، اندیشه و عزم و اراده یک ملت را از طریق جنگ رسانه‌ای به اشغال درآورد»؛ از این رو، «سلطه و اشغال در جنگ نرم همه‌جانبه است، چرا که بر افکار، باورها و رفتارهای کشور مقصد تاثیر می‌گذارد».^{۱۱۸}

مقاله‌ای دیگر نگرانی عمیق ایران از سلطه غرب را در محتوای اینترنت بیان می‌کند که باورها را متزلزل می‌کند. ولی این دیدگاه بعداً تکامل پیدا کرد و اینترنت را رسانه‌ای اجتناب‌ناپذیر دانست که در آن تهران هم می‌تواند محتوا را مدیریت کند و محتوای رقابتی خودش را تولید و عرضه کند.^{۱۱۹}

به نوشته عباس کاردان، آمریکا بعد از شکست در کسب اهداف خود در تهاجم‌های عراق و افغانستان، به دنبال انقلاب مخملی در ایران است و این را با حمایت از «عناصر میانه‌رو» در داخل ایران و شبکه‌سازی از طریق برنامه‌هایی مثل ترویج دموکراسی، توسعه جامعه مدنی، و دیپلماسی عمومی به پیش می‌برد.^{۱۲۰} مهسا ماه‌پیشانیان در شماره زمستان ۲۰۱۱/۲۰۱۰ خواستار توجه به «رویکرد اندیشکده‌های آمریکا در مقابله با جمهوری اسلامی ایران» شد. به ادعای او، همه اندیشکده‌های آمریکایی و بسیاری از مقامات سابق به دنبال «تغییر رژیم» ایران هستند، ولی با تاکتیک‌های مختلف؛ برخی از طریق «ترغیب ایران به همکاری» و برخی از راه «تغییر از درون»، «جنگ» یا «بازدارندگی».^{۱۲۱}

همه این مقالات پیش از حتی شکل‌گیری ایده برجام نوشته شده‌اند. وقتی دولت او با ما، همراه با شرکای اروپایی خود، اظهار امیدواری کرد که توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ بتواند فضا را برای میانه‌روی در جمهوری اسلامی باز کند، تندروها این را تحقق پیشگویی خودشان می‌دیدند. پیش از امضای توافق، پزیدنت او با ما گفت: «اگر امضای توافق هسته‌ای صورت گیرد، می‌توان گفت دست نیروهای میانه‌رو داخل ایران را تقویت کرده‌ایم».^{۱۲۲} مدتی بعد نیز در مصاحبه‌ای مشاهده خود را چنین بیان کرد:

تحولی در ایران در حال شکل گرفتن است، گرچه تدریجی، اما در نتیجه آن، این درک ایجاد خواهد شد که شعار «مرگ بر آمریکا» یا انکار هولوکاست در میان رهبران ایران یا تهدید اسرائیل به نابودی یا... دادن سلاح به حزب‌الله، که در لیست تروریستی است، این چیزها ایران را در چشم بخش بزرگی از دنیا منفور می‌کند... و این چیزی است که امیدوارم اتفاق بیفتد. این مستلزم تغییری در سیاست‌ها و رهبری ایران است و متضمن طرز فکری

در یکی از مقالات فصلنامه با عنوان «نفوذ در بستر دیپلماسی عمومی»، فاطمه مرسلی می‌نویسد: «بخشی از راهبرد نفوذ در دیپلماسی عمومی از طریق ارتباطات آموزشی-فرهنگی و با هدف یارگیری، نخبه‌پروری و سرانجام ایجاد و استقرار شبکه‌ای وابسته در کشور هدف پیگیری می‌شود.» علاوه بر این، به عقیده او: «نخبگان علمی و فرهنگی پس از تحصیل در غرب و گذراندن سال‌هایی چند... به بلندگوی فرهنگ بیگانه تبدیل می‌شوند.»^{۱۱۹} عبدالله مرادی نیز هشدار می‌دهد که پس از برجام، آمریکا بر «[اول] مهار جمهوری اسلامی... و در مقاطع بالاتر و موفق‌تر، تغییر رفتار نظام» تمرکز کرده است.^{۱۲۰} مقاله او با ذکر اظهارات مقامات آمریکایی که می‌خواستند بر اساس برجام دیالوگی بر سر مسائل دیگر ایجاد کنند، به حرف‌های او با اشاره می‌کند که برجام می‌تواند منتج به گفتگوهای بیشتر شود.^{۱۲۱} مطالعه دیگری نتیجه‌گیری می‌کند که آمریکا صرفاً در حال تغییر تاکتیک خود برای هدف براندازی است: هدفش استفاده از نفوذ «فرصت‌طلبان» و افراد «غرب‌گرا» در نهادهای تصمیم‌گیری ایران برای کمک به کاهش تنش‌های دوجانبه، تقویت روابط ایران و آمریکا، و حذف ایدئولوژی از جمهوری اسلامی برای تغییر کشور از درون است. این اشاره‌ای نه چندان پوشیده به افرادی در جمهوری اسلامی است که دنبال هدف ساده تنش‌زدایی با آمریکا بودند: عمل‌گرایانی مثل رئیس‌جمهور سابق حسن روحانی و وزیر امور خارجه محمدجواد ظریف.

نگرانی در این فصلنامه به کتب درسی انگلیسی و رستوران‌های مک‌دونالد هم می‌رسد. قدرت حاجی رستم‌لو هشدار می‌دهد که آموزش کتب درسی به زبان انگلیسی برای «گسترش آموزش ضدفرهنگی... تخریب دین، ایجاد روابط غیرمتعارف بین زن و مرد، اشاعه سبک زندگی غربی و غیره» طراحی شده است و خواستار «تولید و طراحی ضروری مطالب آموزشی [ایرانی] در داخل کشور» است.^{۱۲۲} داریوش جعفرزاده داشبلاغ و سعید ابراهیمی مفصلاً درباره گسترش رستوران‌های مک‌دونالد در ایران -که نزدیک به زمان برجام اتفاق افتاد- هشدار داده‌اند و اشاره می‌کنند که فروپاشی شوروی پس از افتتاح اولین مک‌دونالد در مسکو کلید خورد.^{۱۲۳} به عقیده آن‌ها، «بسیاری باور دارند» این شرکت به فراماسون‌ها وابسته است و «یکی از حامیان اصلی رژیم صهیونیستی» است؛ زنجیره مک‌دونالد «جنبه مهمی از فرهنگ آمریکایی را در سراسر دنیا نمایش می‌دهد» و مصرف‌گرایی و مادی‌گرایی را ترویج می‌کند. همچنین، مک‌دونالد مثل یک «مرکز بسیار پیشرفته برای ارزیابی تحولات اجتماعی در سراسر دنیا» عمل می‌کند که یعنی در «بهترین حالت» می‌توان از آن،

بدون آگاهی ایرانی‌ها، برای جمع‌آوری داده‌ها درباره بخش‌های مختلف جامعه استفاده کرد. این نویسندگان مک‌دونالد را ابزاری برای تغییر ارزش‌های مردم، رواج سبک زندگی آمریکایی در جهان، و زمینه‌ساز «[تغییر] اجتماعی سیاسی، امنیتی و انقلابی» می‌دانند.^{۱۲۴} برای همین، آن‌ها توصیه می‌کنند که دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی ایران هویت هر شرکتی را که می‌خواهد در ایران کسب‌وکار داشته باشد بررسی کنند.

موج چهارم جنگ نرم سیامک باقری چوکامی عصاره‌ای از گفتمان‌های متعدد مطرح شده در فصلنامه مطالعات عملیات روانی را مطرح می‌کند. در تحلیل او، موج چهارم جنگ نرم از طریق پیشرفت‌های تکنولوژی اطلاع‌رسانی میسر شده است و عملاً گستره جنگ برای فتح دل و جان ایرانیان را به همه عرصه‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی، و اجتماعی می‌کشاند.^{۱۲۵} چوکامی با ذکر یکی از سخنرانی‌های خامنه‌ای در سال ۲۰۰۴، شبکه‌ای پیچیده را توصیف می‌کند که در رأس خود از سوی «زرسالاران قدرت‌طلب» هدایت می‌شود که «دنیا را کنترل می‌کنند و دولت‌های آمریکا، انگلیس و غیره را اداره می‌کنند».^{۱۲۶} در آن سخنرانی، خامنه‌ای گفته بود که «مسأله جهانی‌سازی که امروز در تجارت، پول، فرهنگ و شبکه‌های فرهنگی -مثل اینترنت و مانند آن- مطرح است، همه دانسته و نادانسته در خدمت [یک] مجموعه طبقاتی است».^{۱۲۷} البته، ایده ابرطبقه و نخبگان جهانی منحصر به ایران نیست و موضوع مطالعات جریان اصلی تحقیقات نیز بوده است؛ مثل: ابرطبقه: نخبگان قدرت جهانی و جهانی که می‌سازند، نوشته دیوید راتکاف (۲۰۰۸) -گرچه راتکاف به روشنی گفته است که کتابش «کتابی برای نظریه‌پردازان توطئه» نیست و او می‌خواسته نابرابری در قدرت و ثروت را کاوش کند.^{۱۲۸}

چوکامی به سهم خود لایه‌های یک شبکه از «بازیگران» در جنگ نرم را توصیف می‌کند که شامل دستگاه‌های اطلاعاتی غربی، اندیشکده‌های آمریکایی متمایل به هر دو جناح، نهادهای ایرانی-آمریکایی (از جمله آن‌هایی که از روابط بهتر با جمهوری اسلامی حمایت کرده‌اند، مثل نایاک یا شورای ملی ایرانیان آمریکا)، موسسات بین‌المللی از قبیل بانک جهانی، گروه‌های حقوق بشر، «رسانه‌های صهیونیستی»، پرخواننده‌ها یا ستارگان اینترنتی، «گروه‌های موسیقی هوی متال»، اعضای آیین بهایی، متفکران سکولار و هواداران غرب در ایران، «شیطان پرستان»، و سازمان‌های غیردولتی است.^{۱۲۹} چوکامی در ادامه، جنبش‌های «شیعه انگلیسی و سنی آمریکایی» را همراه با جنبش‌های اسلامی

سپاه، نیز گفت: «شهادت سردار سلیمانی سیلی محکمی به ژنرال‌های جنگ نرم دشمن زد، [چون] قدرت فرهنگی قدرت بلامنازعی بود که این جهان را با ما همراه و موجبات پیروزی مقابل دشمنان را فراهم کرد».^{۱۳۹} در پی شیوع ویروس کرونا هم، مقامات و رسانه‌های دولتی درباره یک «جنگ نرم» هشدار می‌دادند که هدفش مخدوش کردن نحوه واکنش جمهوری اسلامی به همه‌گیری کرونا به بهانه پنهانکاری و مدیریت ضعیف است.^{۱۴۰}

نقش سپاه پاسداران

سپاه پاسداران مقابله با «جنگ نرم» را یکی از اولویت‌های اصلی خود قرار داده است. یکی از اولین حامیان این تلاش محمد علی جعفری فرمانده سپاه بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ بود. او قبلاً به مدت سه سال هدایت مرکز مطالعات راهبردی سپاه را بر عهده داشت،^{۱۴۱} که طی این دوره، این مرکز پژوهش درباره «انقلاب‌های مخملی» و «سیاست‌های نرم آمریکا برای تغییر رژیم» را هدایت می‌کرد.^{۱۴۲} جعفری بعد از منصوب شدن به فرماندهی کل سپاه، آنچه را که «دکترین موزائیک» خوانده می‌شد مطرح کرد تا آمادگی سپاه را برای تهاجم زمینی احتمالی آمریکا افزایش دهد؛ یعنی رویکردی که مسلتزم استفاده از جنگ نامتقارن تا رسیدن به راه‌حل سیاسی بر اساس شروط تهران بود. علاوه بر این، جعفری عقیده داشت که سپاه باید بر تهدیدات داخلی آینده و اعتراضات انبوه مردم تمرکز کند، و برای همین گردان‌های الزهرا و عاشورا را در نیروی بسیج به عنوان نیروهای ضدشورش ایجاد کرد.^{۱۴۳} در پی اعتراضات انتخاباتی سال ۲۰۰۹، جعفری به فرماندهان تاکید کرد که مقابله با «تهدیدات نرم... مهم‌ترین ماموریت واحدهای استانی» است، و به نیروهای بسیج دستور داد تا بر «تهدیدات فرهنگی و اجتماعی» تمرکز کنند.^{۱۴۴} فرماندهان ارشد سپاه هم بر همین تهدیدات تاکید کرده‌اند.^{۱۴۵}

سپاه و نیروهای مسلح مجموعه‌ای از یگان‌ها برای مقابله با جنگ نرم ایجاد کرده‌اند. در سال ۲۰۱۳، یکی از معاونان ارشد ستاد کل نیروهای مسلح از تشکیل «ستاد تبلیغات دفاعی» برای سیاست‌گذاری در «حوزه جنگ نرم» و مدیریت «گزارشگری در امور دفاعی و اخبار مرتبط با نیروهای مسلح» خبر داد.^{۱۴۶} در سال ۲۰۱۸، رمضان شریف سخنگوی سپاه ادعا کرد که سپاه با توجه به «شرایط تهاجم روانی و جنگ رسانه‌ای ترکیبی دشمن علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران» قرارگاه جنگ نرم خود

و روحانیت به اصطلاح منحرف (از جمله آن‌هایی که طرفدار سکولاریسم هستند)، تحت کنترل سرویس اطلاعات مخفی بریتانیا (ام.آی.۶) و سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا ذکر می‌کند که هدف همه آنها تخریب «اسلام ناب محمدی» خمینی و خامنه‌ای است.^{۱۳۰}

احساس تهدید نسبت به جنگ نرم آمریکا علیه ایران طی دولت ترامپ هم ادامه داشت، از جمله پس از خروج واشنگتن از برجام و وضع مجدد تحریم‌ها. و طبعاً بعد از شروع جنگ جدید نفتکش‌ها در سال ۲۰۱۹ هم که واشنگتن به وضع مجدد تحریم نفتی پرداخت و تهران عملیات خود را تشدید کرد تا آمریکا را مجبور به کاهش فشار مالی کند، از شدت این احساس تهدید کاسته نشد.^{۱۳۱} مقامات و رسانه‌های ایرانی اعتراضات دسامبر ۲۰۱۷ و ژانویه ۲۰۱۸ در کشور را هم که پیش از وضع مجدد تحریم‌ها از سوی واشنگتن اتفاق افتاد، در این قالب آشنا توصیف می‌کنند که «دشمن»، از جمله آمریکا و رسانه‌های خارجی، پشت اعتراضات قرار داشته‌اند.^{۱۳۲} اعتراضات آن دوره مقامات را غافلگیر کرد، و در شهرهای کارگری و شهرهای خارج از تهران که پایگاه سنتی حمایت از نظام محسوب می‌شوند، شدیدتر بود.^{۱۳۳}

از این گذشته، در نوامبر ۲۰۱۸، چند ماه پس از خروج آمریکا از برجام و وضع مجدد تحریم‌ها، خامنه‌ای تاکید کرد که «ما درگیر یک جنگ فرهنگی» و «جنگ نرم هستیم» و اینکه «برخی آن را انکار می‌کنند، و این خود نیز بخشی از جنگ نرم است».^{۱۳۴} او «هنرمندان و اهالی فکر و نظر» را در حکم نیروهای مسلح «این جنگ» معرفی کرد.^{۱۳۵} او احتمال مذاکره با دولت آمریکا را مکرراً رد کرد، و مقامات ایران هم در مقابل سیاست «فشار حداکثری» ترامپ، وعده «مقاومت حداکثری» دادند.^{۱۳۶} در پی اعتراضات سراسری در نوامبر ۲۰۱۹ که با حذف ناگهانی یارانه بنزین شروع شد، سردار سلامی فرمانده سپاه، در دیدار نیروهای ارشد بسیج با خامنه‌ای، این اعتراضات و همچنین موارد قبلی را که به قیام دانشجویی سال ۱۹۹۹ برمی‌گردد، «برداشت محصول بذریاشی شده دنیای استکبار در سرزمین فکری، فرهنگی و سیاسی و اعتقادی برای چرخش از تهاجم سخت [نظامی] به تهاجم نرم» توصیف کرد.^{۱۳۷}

از زمان قتل هدفمند قاسم سلیمانی فرمانده سابق نیروی قدس به دست آمریکا، مقامات و فرماندهان ایرانی این رویداد را هم در چارچوب جنگ نرم قرار دادند. خامنه‌ای گفت: «این تشییع [سلیمانی]، و بعد بزرگداشت‌ها، ژنرال‌های جنگ نرم استکبار را متحیر کرد».^{۱۳۸} علی رجبی، جانشین معاونت فرهنگی و تبلیغات

این بوده که کارکنان به عنوان اوباش مجازی (ترول‌های اینترنتی) کار می‌کنند، و تنها دنبال امرار معاش هستند تا اجرای مأموریت رژیم.^{۱۵۴}

نهادهای دیگری که به سپاه وابسته اند، شامل خبرگزاری‌هایی چون تسنیم، فارس، و سازمان هنری رسانه‌ای اوج می‌شوند.^{۱۵۵} همین‌طور موسساتی وجود دارد که پیمانکار تولید محتوا، تولید انبوه مطالب تبلیغی، فیلم‌ها، سریال‌های تلویزیونی، و موزیک ویدیوها هستند.^{۱۵۶} قرارگاه عمار، همان‌طور که بالاتر ذکر شد، اندیشکده‌ای ویژه مقابله با جنگ نرم است که مهدی طائب آن را تاسیس کرد، کسی که همچنین معاون موسسه شهید آوینی است که سریال معروف گاندو را (که در ادامه بحث شده) تولید کرده است.^{۱۵۷}

برنامه‌های رسانه‌ای، دیپلماسی فرهنگی، و فعالیت آموزشی در خارج کشور

سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (IRIB)، و موسسات فرهنگی و بنیادهای خیریه نیز کارزارهای اطلاع‌رسانی به راه می‌اندازند. سث جونز و دانیکا نیولی از مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی این موارد را در پژوهشی مفید بررسی کرده‌اند.^{۱۵۸} صدا و سیما طی سال‌ها بودجه‌ای به ارزش میلیاردها دلار برای راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی برای مخاطبان ایرانی، از دولت دریافت کرده است. همچنین شبکه‌هایی را برای مخاطبان خارجی دارد، مثل پرس تی.وی (Press TV) برای انگلیسی‌زبانان، و العالم و الکوثر به زبان عربی.^{۱۵۹} در سال ۲۰۲۱، آمریکا دامنه‌های اینترنتی پرس تی.وی و سی دامنه و بسایت‌های مربوط به اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی (IRTVU) را، که تحت مالکیت یک شرکت آمریکایی بود، توقیف کرد.^{۱۶۰} سال قبل از آن، وزارت خزانه‌داری آمریکا این اتحادیه را به خاطر آنکه تحت مالکیت و کنترل نیروی قدس سپاه است در فهرست تحریم‌های خود قرار داده بود؛ خزانه‌داری مشخصاً نیروی قدس را به استفاده از اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی برای تقویت روایت‌های دروغین به زبان انگلیسی درباره انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با هدف تفرقه‌افکنی متهم کرد.^{۱۶۱}

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، که زیر نظر بیت رهبری است، فعالیت فرهنگی و دینی ایران را در خارج اداره می‌کند.

را «از مدت‌ها قبل» تاسیس کرده است.^{۱۴۷}

گروه‌های شبه‌نظامی، مثل بسیج و بسیج دانشجویی، جنگ نرم را مهم‌ترین نبرد پیش رو تعریف کرده‌اند و ابتکاراتی مثل راه‌اندازی «حلقه‌های صالحین» در سال ۲۰۱۴ در پایگاه‌های بسیج سراسر کشور داشته‌اند که در آن نوجوانان برای مقابله با تهاجم رسانه‌ای و «فساد اخلاقی، توزیع مواد مخدر و رواج فرهنگ استفاده از مشروبات الکلی از سوی دشمنان»، جمع می‌شوند و آموزش می‌بینند.^{۱۴۸} نمایندگان رهبر در سپاه، یعنی مقاماتی که به عنوان کمیسرهای سیاسی عمل می‌کنند، «جنگ نرم» را در برنامه‌های سیاسی-عقیدتی خودشان وارد کرده‌اند.^{۱۴۹}

سپاه پاسداران همچنین نهادی به نام قرارگاه اجتماعی و فرهنگی بقیةالله الاعظم تاسیس کرد که جعفری، بعد از اینکه در ۲۰۱۹ به دلایلی که کاملاً روشن نیست ظاهراً تنزل رتبه پیدا کرد، به آنجا منتقل شد.^{۱۵۰}

جعفری با مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی، سازمانی دینی و فرهنگی که مسئول ترویج ایدئولوژی حکومت است، دیدار داشته تا به تبیین بهتر «گام دوم» انقلاب از طرف «سازمان‌های انقلابی و فرهنگی» کمک کند — «گام دوم» انقلاب عنوان بیانیه رهبر ایران به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب است و تأکید آن بر حفظ آرمان‌های انقلابی است. وفاداران حکومت مرتب به این بیانیه اشاره می‌کنند. در سال ۲۰۲۰، جعفری با حسین سلامی جانشین و معاون سابق خود دیدار کرد و خواستار «ارائه جذاب و انعکاس هنرمندانه محتوای ناب انقلابی» شد تا به موفقیت در جنگ نرم کمک کند.^{۱۵۱}

جمهوری اسلامی ارقام روشنی درباره هزینه‌های عملیات‌های مرتبط با جنگ نرم منتشر نمی‌کند، ولی ادعاهایی در مورد اتلاف منابع و فساد مطرح شده است. یک رقم غیررسمی برای مخارج در نیروهای مسلح و حوزه‌های علمیه ۱۶/۵ تریلیون ریال است (در زمان نگارش این مطلب، معادل ۱۴۳ میلیون دلار بنا به نرخ رسمی و ۶۶ میلیون دلار بنا به نرخ آزاد) که معادل ۰/۷ درصد آخرین مخارج نظامی رسمی ایران در سال مالی ۲۰۲۰/۲۱ است.^{۱۵۲} (اینجا باید توجه کرد که بودجه نظامی واقعی شفاف نیست و ممکن است بیشتر باشد.)

این مخارج شامل یگان‌های عملیات سایبری هم می‌شود که عمدتاً در نیروهای مسلح هستند ولی در جاهای دیگر هم دیده شده‌اند؛ مثلاً «بخش سایبری» سازمان تبلیغات اسلامی.^{۱۵۳} بخشی از اتهامات فساد در بودجه جنگ نرم و پژوهش‌های آن

ضعف داریم» و از کسانی که «قصد خیر در این زمینه دارند» خواست قوی‌تر عمل کنند.^{۱۷۰} مقامات دیگری هم به این مسئله پرداخته‌اند، از جمله یوسف مولایی، فرمانده یگان امام حسن مجتبی در سپاه (البرز)، که خواستار «برنامه‌ریزی» بهتر در محیطی شد که در آن «دشمنان دکترا ری رسانه تربیت می‌کنند...» و [محتوا را] از طریق ربات‌های فضای مجازی در کسری از ثانیه در کل دنیا پخش می‌کنند.^{۱۷۱} رویکرد از بالا به پایین و متمرکز و سانسور شدید در جمهوری اسلامی آشکارا مانع تولید محتوای خوب است که بتواند در فضای آنلاین پربیننده (وایرال) شود.

شرکت‌های نیمه-خصوصی گاهی محتوایی تولید کرده‌اند که پربیننده شده است. از جمله سریال تلویزیونی گاندو که موفقیت‌های ماموران اطلاعات سپاه را نشان می‌دهد. این سریال به خاطر سکانس‌های اکشن خود و حملات جنجالی به مقامات دولت روحانی که آنها را در مقابل جاسوسان غرب ساده‌لوح نشان می‌داد، توجه زیادی جلب کرد.^{۱۷۲} بعضی از اعضای بسیج که در فضای رسانه‌ای کار می‌کنند سعی کرده‌اند از جذابیت ملی‌گرایی ایرانی استفاده کنند؛ مثلاً با استفاده از گفتمان ملی‌گرا به تجلیل از قاسم سلیمانی پرداخته‌اند.^{۱۷۳} ولی رهبری ارشد در سپاه و هسته حامیان‌ش کماکان شدیداً اسلام‌گرا هستند؛ برای همین علی فدوی، فرمانده نیروی دریایی سپاه و جانشین فرماندهی کل سپاه، در سال ۲۰۱۸ گفت که «[اسم] سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هیچ کلمه‌ای در ادامه ندارد، حتی "ایران"». ^{۱۷۴} سپاه بعد از آن هم که دریافت بسیاری از اعضایش از نسل دهه ۱۹۹۰ گرایش‌های اصلاح‌طلبانه دارند، بیشتر بر تعصب ایدئولوژیک تمرکز کرده است.^{۱۷۵}

به‌هرحال، رژیم موفقیت‌هایی در این فضا داشته است. یکی از آن‌ها، پرورش یک کیش شخصیت حول قاسم سلیمانی فرمانده فقید نیروی قدس است که وقتی شروع شد که او از حضور خود در خطوط مقدم جنگ علیه داعش در عراق در سال ۲۰۱۴ عکس‌های سلفی می‌گرفت و این تصاویر با استقبال اینترنتی روبه‌رو شد.^{۱۷۶} او خود را به رسانه و پیام نفوذ تهران در خاورمیانه تبدیل کرد.^{۱۷۷} قتل هدفمند سلیمانی در اوایل سال ۲۰۲۰ صدها هزار نفر را برای مراسم تشییع او به خیابان‌ها آورد -بزرگ‌ترین جمعیت از این دست طی سال‌ها که نشان می‌داد دست‌کم شماری از عزاداران از پایگاه سنتی حمایت از حکومت نیستند.^{۱۷۸} ولی معلوم شد این فضای قهرمان‌پرستی زودگذر است و بعد از کشته‌شدن ده‌ها نفر زیر دست و پا در تشییع سلیمانی و، در پی آن، سرنگونی یک هواپیمای غیرنظامی اوکراینی به دست سپاه و

دیگر نهادهای زیر چتر آن که دیپلماسی فرهنگی را پیش می‌برند، عبارتند از: مجمع جهانی اهل بیت، سازمان توسعه اسلامی، و دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم که مبلغان مذهبی و روحانیون را به خارج می‌فرستد. دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه مثل دانشگاه بین‌المللی «المصطفی» طلابی را از اطراف دنیا استخدام می‌کنند، و ایدئولوژی اسلام‌گرایانه جمهوری اسلامی را آموزش می‌دهند.^{۱۶۲} آمریکا در سال ۲۰۲۰ دانشگاه المصطفی را به عنوان یک «بستر جذب نیرو برای نیروی قدس» در فهرست تحریم‌ها قرار داد.^{۱۶۳}

موفقیت‌ها و شکست‌ها در جنگ نرم

جمهوری اسلامی برای ایجاد اختلال در جنگ نرم مفروض به رهبری آمریکا، به مجموعه‌ای از اقدامات اجباری دست زده است، از جمله اعمال قوانین اخلاقی در فضای عمومی و نیز پاکسازی استادان و دانشجویان از دانشگاه‌ها.^{۱۶۴} حکومت از دهه ۲۰۰۰ در پی ایجاد یک اینترنت ملی مجزا از اینترنت جهانی بوده است، و بعد از اعتراضات سراسری ۱۸-۲۰۱۷ تقاضاها برای چنین شبکه‌ای دوجندان شده است. فقط در سال ۲۰۱۸، بنا به تخمین مرکز پژوهش‌های مجلس ۴/۵ میلیارد دلار برای آن هزینه شده است.^{۱۶۵} جمهوری اسلامی در جریان اعتراضات سال ۲۰۱۹ با موفقیت توانست اینترنت را قطع کند تا بتواند اعتراضات را سرکوب کند و سازمان‌یابی معترضان را مختل سازد.^{۱۶۶} در سال ۲۰۲۰، شورای عالی انقلاب فرهنگی اعلام کرد که توانایی ایجاد یک شبکه اینترنت به‌زودی در دسترس خواهد بود.^{۱۶۷} در اکتبر همان سال، شورای عالی فضای مجازی «نقشه جامع مهندسی» آن را تصویب کرد.^{۱۶۸}

در مورد تولید محتوا برای چنین شبکه‌ای، وجوه دولتی تخصیص‌یافته نتوانسته به محصولات خوبی تبدیل شود که مخاطبان را به پیام‌های حکومت جذب کند. از شاخص‌های موفقیت جمهوری اسلامی در جلب حمایت ایرانی‌ها، افزایش دینداری و رضایت از دولت است؛ همان‌طور که پیشتر ذکر شد، حتی مقامات اذعان دارند که چنین تحولی رخ نداده است. علیرضا افشار، فرمانده سابق قرارگاه جنگ نرم ستاد کل نیروهای مسلح، در سال ۲۰۱۷ گفته است: «باید قبول کنیم که فیلترکردن راه به جایی نخواهد برد، پس باید آموزه‌های دینی را به جامعه تزریق کرد.»^{۱۶۹} خامنه‌ای با قبول این مسئله در آگوست ۲۰۲۱ اذعان کرد که «ما در زمینه مقابله با جنگ روانی دشمن

از مظاهر فرهنگ و جامعه مدنی آمریکا هراس دارند، چون مروج آدابی است که آن‌ها مغایر با ارزش‌های خود می‌دانند. علاوه بر این، خامنه‌ای و سپاه معتقدند صرف نظر از این‌که چه کسی در واشنگتن بر سر کار باشد، سیاست تغییرناپذیر واشنگتن این است که آن‌ها را سرنگون کند. سیاست‌گذاران آمریکا نباید تمرکز خود را صرف یافتن فرمولی جادویی کنند که این برداشت‌ها را عوض کند. هدف دست‌یافتنی‌تر این است که واشنگتن اروپایی‌ها و همین‌طور آمریکایی‌ها را متقاعد کند که دنبال تغییر رژیم نیست. گرچه شکاف بین جمهوری اسلامی و اکثریت عظیم ایرانی‌ها رو به گسترش است، سیاست‌گذاران نباید به آن به عنوان چیزی که منجر به تغییر بنیادی شود تکیه کنند، دست‌کم نه در کوتاه‌مدت. اسلامگرایان تندرو دچار ذهنیت محاصره‌شدگی هستند و باور دارند که با هجومی از چندین جبهه مواجه اند و نمی‌توانند دل و جان ایرانی‌ها را فتح کنند. اقدامات آن‌ها نشان می‌دهد که به تقاضاهای ایرانیان برای تغییر دموکراتیک بیشتر تن نخواهند داد، چون فکر می‌کنند به نفع دشمن‌شان تمام خواهد شد؛ آن‌ها معتقدند تا پای مرگ باید بجنگند. واشنگتن باید حمایت خود را از معترضان ایرانی نشان دهد، ولی باید نگاهی بلندمدت داشته باشد و فرض نکند که اعتراضات به تغییری مثبت در آینده نزدیک منجر خواهد شد.

مخفی‌کاری پس از آن، این فضا از بین رفت. به این ترتیب، علاقه پرستش‌گونه‌ای که سلیمانی موجد آن بود، به حمایت مستحکمی از حکومت بدل نشد.

جمهوری اسلامی در تولید محتوا برای خرده‌فرهنگ اسلامگرا در ایران موفق‌تر بوده است. پروراندن مفهوم جهاد شیعه در سوریه و عراق برای دفاع از حرم‌های شیعی باعث برانگیختن پایگاه حمایتی‌اش شد و نسل جدیدی از ایرانی‌ها را بر اساس باور به جهاد وارد اجتماع کرد. گرچه تعداد این باورمندان کمتر از کسانی است که با جنگ ایران و عراق برانگیخته شدند.^{۱۷۹} جمهوری اسلامی همچنین اسطوره‌های جدیدی هم درباره لشکر فاطمیون مرکب از شیعیان افغانستان خلق کرده است که در سوریه جنگیدند و به جمع رزمندگان جهاد مقدس پیوستند. همه این اسطوره‌پردازی‌ها عمیقا در نمادپردازی شیعی و انقلابی ریشه دارد.

نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاست‌گذاری

تغییر باور اسلامگرایان ایران درباره موضوعات بحث شده در این جستار بسیار دشوار است. علی‌خامنه‌ای و سپاه پاسداران عمیقا

- 1 Joseph Nye, *Soft Power: The Means to Success in World Politics* (New York: Public Affairs, 2004).
- 2 See <https://ir.usembassy.gov/>.
- 3 For more, see Mehrzad Boroujerdi, *Iranian Intellectuals and the West: The Tormented Triumph of Nativism* (Syracuse, NY: Syracuse University Press, 1996).
- 4 Abbas Amanat, *Iran: A Modern History* (New Haven, CT: Yale University Press, 2017), 179.
- 5 Ibid.
- 6 Ibid., 315–17; Homa Omid, *Islam and the Post-Revolutionary State in Iran* (New York: St. Martin's Press, 1994), 8–17.
- 7 Amanat, *Iran*, 369–76.

۸ تلاش‌های روحانیون شیعه برای ایجاد یک مرکز قدرت مستقل باعث شکل‌گیری جریان‌های متعددی شده است، از جمله قبول مکتب اصولی که به روحانیون واجد شرایط، قدرت اجتهاد بخشید، و مقلدان این مرجع دینی بدون نیاز به دلیل و برهان می‌توانند از او پیروی کنند. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به:

Heinz Halm, *Shi'ism*, 2nd ed., trans. Janet Watson and Marian Hill (New York: Columbia University Press, 2004), 95–97.

- 9 Omid, *Islam and the Post-Revolutionary State*, 8–17; Amanat, *Iran*, 317–23.
- 10 Amanat, *Iran*, 486–90.
- 11 Ibid., 492–93.
- 12 Ibid., 493.
- 13 Ibid., 446–86.

۱۴ البته سقوط پهلوی‌ها، دست‌کم در سال ۱۹۷۹، الزاما اجتناب‌ناپذیر نبود؛ شاه از جنگیدن خودداری کرد و در مواجهه با اعتراضات انبوه تصمیم گرفت کنار برود. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به:

Andrew Scott Cooper, *The Fall of Heaven: The Pahlavis and the Final Days of Imperial Iran* (New York: St. Martin's Press, 2016).

- 15 For more on the state-clergy alliance, see Ahmet T. Kuru, *Islam, Authoritarianism, and Underdevelopment: A Global and Historical Comparison* (Cambridge, UK: Cambridge University Press), 2019.
- 16 Ibid., 492–93.
- 17 Ibid., 492.
- 18 Ibid., 692.
- 19 Farzan Sabet and Roozbeh Safshekan, *Soft War: A New Episode in the Old Conflicts Between Iran and the United States* (Center for Global Communication Studies, Iran Media Program, 2013), <https://repository.upenn.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1004&context=iranmediaprogram>.
- 20 Amanat, *Iran*, 504.
- 21 Ibid., 525–60, 897.

شایان ذکر است که بخش بزرگی از فایل‌های سی.آی.ای درباره این کودتا، حتی پس از انتشار اطلاعات در سال ۲۰۱۷، ناشناخته باقی مانده است؛ برای بحثی مرتبط، رجوع کنید به:

Morgan Carlston, “Six Myths About the Coup Against Iran’s Mossadegh,” *National Interest*, September 2, 2014, <https://nationalinterest.org/feature/six-myths-about-the-coup-against-irans-mossadegh-11173>;

برای نمونه ای از داده‌های مفقوده، توجه کنید که سند ۲۸۵ در فایل‌های منتشرشده، برچسب TEHE ۷۳۷ دارد، در حالی که سند ۲۸۶ برچسب TEHE ۷۴۲ دارد. محتوای سند ۲۸۵ از حس وحشت درباره شکست کودتا در ۱۹ آگوست ۱۹۵۳ حکایت می‌کند، در حالی که سند موجود بعدی با آرامش از این‌که سقوط مصدق «در شرف موفقیت» است می‌گوید. رجوع کنید به:

Morgan Carlston, “New CIA/State Department Docs on the 1953 Iran Coup (Part 6),” *Persophilia*, June 22, 2017, <http://persophilia.blogspot.com/2017/06/>.

همچنین رجوع کنید به «۲۸۵». تلگرام از ایستگاه در ایران به آژانس اطلاعات مرکزی» و «۲۸۶». تلگرام از ایستگاه در ایران به آژانس اطلاعات مرکزی»، که هر دو از [دفتر] روابط خارجی آمریکا ارسال شد، ۱۹۵۴-۱۹۵۲، ایران، ۱۹۵۱، ۱۹۵۴، وزارت خارجه آمریکا، دفتر تاریخ،

<https://history.state.gov/historicaldocuments/frus1951-54Iran/d286>.

22 Amanat, *Iran*, 645–64; Sabet and Safshekan, *Soft War*, <https://repository.upenn.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1004&context=iranmediaprogram>.

23 Sabet and Safshekan, *Soft War*, <https://repository.upenn.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1004&context=iranmediaprogram>.

24 Amanat, “Development, Disarray and Discontent,” in *Iran*; Cooper, “Farewell the Shah,” in *Fall of Heaven*.

25 Amanat, *Iran*, 645–49.

26 Jalal Al-i Ahmad (as the author’s name is alternatively spelled), *Occidentosis: A Plague from the West*, trans. R. Campbell (Berkeley, CA: Mizan Press, 1984), 64.

27 Boroujerdi, *Iranian Intellectuals*, 63–65; Amanat, *Iran*, 692.

28 Amanat, *Iran*, 692–93.

29 Boroujerdi, *Iranian Intellectuals*, 65–77.

30 Amanat, *Iran*, 693.

31 Al-i Ahmad, *Occidentosis*, 64.

32 Ibid., 16.

33 Amanat, *Iran*, 584–93.

34 Ibid.

35 *Anthology of Imam Khomeini’s Speeches, Messages, Interviews, Decrees, Religious Permissions, and Letters*, Vol. 1 (in Persian), Institute for the Compilation and Publication of the Works of Imam Khomeini, 153, <https://farsi.rouhollah.ir/library/sahifeh-imam-khomeini/vol/1/title/100>.

36 Ali Shariati, *Marxism and Other Western Fallacies: An Islamic Critique*, trans. R. Campbell (Berkeley, CA: Islamic Foundation Press, 1979), 4.

37 Amanat, *Iran*, 695–99.

38 Ibid., 591.

39 Homa Omid, “Freedom, Culture and Education in Khomeini’s State: What Price Islam?” in *Islam and the Post-Revolutionary State*, 153–178; Misagh Parsa, *Democracy in Iran: Why It Failed and How It Might Succeed* (Cambridge, MA: Harvard University Press, 2016), 81–83, 182–83.

40 Parsa, *Democracy in Iran*, 182–83.

- 41 Mohammad Rezaie Yazdi, “Khomeinism, the Islamic Revolution and Anti Americanism,” PhD diss., University of Birmingham, 2016, <https://etheses.bham.ac.uk/id/eprint/6568/1/RezaieYazdi16PhD.pdf>; Karim Sadjadpour, *Reading Khamenei: The World View of Iran’s Most Powerful Leader* (Washington DC: Carnegie Endowment for International Peace, 2009), 14–27, https://carnegieendowment.org/files/sadjadpour_iran_final2.pdf.
- 42 Karim Sadjadpour, “The Supreme Leader,” *Iran Primer*, United States Institute of Peace, October 2, 2010, <https://iranprimer.usip.org/resource/supreme-leader>.
- 43 Parsa, *Democracy in Iran*, 14.
- 44 Ibid.
- 45 Parsa, *Democracy in Iran*, 22; “Three Women Sentenced to 55 Years for Defying Compulsory Hijab in Iran,” Radio Farda, August 2, 2019, <https://en.radiofarda.com/a/three-women-sentenced-to-55-years-for-defying-compulsory-hijab-in-iran/30088712.html>.
- 46 World Bank, “Urban Population (% of Total Population) — Iran, Islamic Rep.,” accessed June 20, 2021, <https://data.worldbank.org/indicator/SP.URB.TOTL.IN.ZS?end=2020&locations=IR&start=1979>.
- 47 Ammar Maleki and Pooyan Tamimi Arab, “Iranians’ Attitudes Toward Religion: A 2020 Survey Report,” Group for Analyzing and Measuring Attitudes in Iran, 2020, <https://gamaan.org/wp-content/uploads/2020/09/GAMAANIran-Religion-Survey-2020-English.pdf>; Parsa, *Democracy in Iran*, 17, 20.
- 48 Parsa, *Democracy in Iran*, 25.
- 49 Mahnaz Motamedi et al., “Paradoxical Attitudes Toward Premarital Dating and Sexual Encounters in Tehran, Iran: A Cross-Sectional Study,” *Reproductive Health* 13, no. 1 (2016): 102.
- 50 Mohammad Hossein Ziya, “The 13 Crises Facing Iran,” Middle East Institute, September 16, 2021, <https://www.mei.edu/publications/13-crises-facing-iran>.
- 51 Omid, *Islam and the Post-Revolutionary State*, 153.
- 52 Ibid., 177.
- 53 Amanat, “Reshaping the Guarded Domains,” in *Iran*, 177–315.
- 54 Amanat, *Iran*, 372–73.
- 55 Ibid., 512–19.
- 56 Neil Hauer, “Stalin’s Great Crime in the Caucasus,” *Moscow Times*, February 25, 2019, <https://www.themoscowtimes.com/2019/02/25/stalins-great-crime-in-the-caucasus-a64615>; Campana Aurelie, “The Massive Deportation of the Chechen People: How and Why Chechens Were Deported,” SciencesPo, November 5, 2007, <https://www.sciencespo.fr/mass-violence-war-massacre-resistance/fr/document/massive-deportation-chechen-people-how-and-why-chechens-were-deported.html>.
- 57 Hassan Kakar, “The Story of Genocide in Afghanistan,” in *The Soviet Invasion and the Afghan Response, 1979–1982* (Berkeley, CA: University of California Press); Vincent J. Schodolski, “Soviets Reveal Afghan Atrocities,” *Chicago Tribune*, February 16, 1989, <https://www.chicagotribune.com/news/ct-xpm-1989-02-16-8903050824-story.html>.
- 58 Amir Toumaj, Candace Rondeaux, and Arif Ammar, *Soleimani’s Shadow: The Fatemiyoun Division & Iran’s Proxy Warfare Propaganda* (Washington DC: New America, updated July 13, 2021), 25, <https://www.newamerica.org/international-security/reports/soleimanis-shadow/>.

- 59 Sadjadpour, *Reading Khamenei*, 14, https://carnegieendowment.org/files/sadjadpour_iran_final2.pdf; Alex Vatanka, “Iran’s Russia Conundrum,” in *Russia in the Middle East*, ed. Theodore Karasik and Stephen Blank, (Washington DC: Jamestown Foundation, 2018), 97; “War Crimes in Chechnya and the Response of the West,” testimony before the U.S. Senate Committee on Foreign Relations, 107th Congress, 2000, <https://www.hrw.org/news/2000/02/29/war-crimes-chechnya-and-response-west>; “Revealed: Russia’s Worst War Crime in Chechnya,” *Guardian*, March 5, 2000, <https://www.theguardian.com/world/2000/mar/05/russia.chechnya>.
- 60 Stephen Fidler, “Putin Depicts Russia as a Bulwark Against European Decadence,” *Wall Street Journal*, September 20, 2013, <https://www.wsj.com/articles/BL-RTBB-3876>.
- 61 Bernard Lewis, “The Roots of Muslim Rage,” *Atlantic*, September 1990, <https://www.theatlantic.com/magazine/archive/1990/09/the-roots-of-muslim-rage/304643/>; Reuel Marc Gerecht, “Perfect Partners,” *Weekly Standard*, September 8, 2017, <https://www.fdd.org/analysis/2017/09/08/perfect-partners/>; Christian Toto, “Hooray for Hollywood — Unless You’re a Conservative,” *The Hill*, March 15, 2020, <https://thehill.com/opinion/technology/487640-hooray-for-hollywood-unless-youre-a-conservative>.
- 62 Dmitry Adamsky, “State-Church Relations,” in *Russian Nuclear Orthodoxy: Religion, Politics, and Strategy* (Stanford, CA: Stanford University Press, 2019); Kristina Stoeckle, “The Russian Orthodox Church as Moral Norm Entrepreneur,” *Religion, State, and Society* 44, no. 2 (2016): 132–51, <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC5012366/>.
- 63 *The Uyghur Genocide: An Examination of China’s Breaches of the 1948 Genocide Convention* (Newlines Institute for Strategy and Policy, March 2021), <https://newlinesinstitute.org/uyghurs/the-uyghur-genocide-an-examinationof-chinas-breaches-of-the-1948-genocide-convention/>; Reuters, “Iran and China Sign 25-Year Cooperation Agreement,” March 27, 2021, <https://www.reuters.com/article/us-iran-china/iran-and-china-sign-25-year-cooperation-agreement-idUSKBN2BJ0AD>.
- 64 Reza Haqiqatnezhad, “Iran Hardliners Claim China Is Serving Islam by Suppressing Uyghur Muslims,” *Radio Farda*, August 4, 2020, <https://en.radiofarda.com/a/iran-hardliners-claim-china-is-serving-islam-by-suppressing-uyghur-muslims-/30766289.html>.
- 65 “Imam Khomeini’s Historic Letter to Gorbachev,” Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini’s Work, February 1, 2020, <http://en.imam-khomeini.ir/en/n29222/Imam-s-letter-to-Gorbachev>.
- 66 Sadjadpour, *Reading Khamenei*, 18, https://carnegieendowment.org/files/sadjadpour_iran_final2.pdf.
- 67 “Statements Among Officials and Executives of the Islamic Republic of Iran System” (in Persian), Office for the Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Khamenei, July 9, 2000, <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3016>.
- 68 Ibid.
- 69 “Statements Among Officials of the Islamic Republic,” <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3016>.
- 70 “America’s Strategies in Soft War Against the Islamic Republic of Iran” (in Persian), *Psychological Operations Quarterly* (2008): 4–5, available at <https://bit.ly/3GZQUx6>.
- 71 Sabet and Safshekan, *Soft War*, <https://repository.upenn.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1004&context=iranmediaprogram>.
- 72 “Attacking the Corps and Basij Is a Component of the Enemy’s Overall Plan” (in Persian), Iranian Labor News Agency, March 2, 2013, <https://bit.ly/3wmdf2U>.

- 73 Sadjadpour, *Reading Khamenei*, 18, https://carnegieendowment.org/files/sadjadpour_iran_final2.pdf; Jochen Bittner, "Is Rouhani an Iranian Gorbachev," *New York Times*, December 5, 2013, <https://www.nytimes.com/2013/12/06/opinion/bittner-is-rouhani-an-iranian-gorbachev.html>.
- 74 "Statements Among Officials of the Islamic Republic," <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3016>.
- 75 Iranian Students News Agency, "America Achieved the Soviet Collapse by Establishing McDonald's Branches" (in Persian), November 23, 2015, <https://bit.ly/3kfne5o>.
- 76 Iranian Students News Agency, "Repeating the Soviet Collapse Formula Is One Goal of the Dominant System Against Us" (in Persian), September 19, 2017, <https://bit.ly/3GZRgnq>.
- 77 Afshin Molavi, "Buying Time in Tehran: Iran and the China Model," *Foreign Affairs* 83, no. 6 (November/December 2004), 9–16.
- 78 "Clip of Professor Hassan Abbasi About Liberals' Conspiracy Through Chinese Infiltration" (in Persian), video, Aparat, January 10, 2016, <https://www.aparat.com/v/UgGOt/>.
- 79 "Repeating the Soviet Collapse Formula," <https://bit.ly/3GZRgnq>.
- ۸۰ چوکامی «موج اول» جنگ نرم را عملیات‌های روانی بین دولت‌ها و جوامع از دوران باستان تا زمان پیشرفت‌ها در ارتباط جمعی در قرن شانزدهم تعریف می‌کند و «موج دوم» را شامل رنسانس و انقلاب صنعتی و ناشی از ظهور پدیده چاپ انبوه و متناظر با عصر امپریالیسم و سلطه بریتانیا بر «جهان اسلام» می‌داند. چوکامی می‌گوید پیشرفت‌های تکنولوژی، ابزارهای «جنگ نرم» را قادر ساخت که بر «قدرت سخت» تاثیر بگذارند و، در عین حال، مدل‌های «جنگ نرم» از جمله «نفوذ» را هم توسعه دهند. بنا به گفته چوکامی، «موج سوم» عبارتست از عصر پساصنعتی بعد از جنگ جهانی دوم، که «بازیگران... به موازات هدف گرفتن روح و [روان] جوامع هدف، به هویت، ایمان، و ارزش‌های فرهنگی با استفاده از ابزارها و تکنیک‌های پیشرفته حمله کردند، و به دنبال تغییر و فروپاشی درونی هدف در ابعاد مختلف بودند». چوکامی می‌افزاید که آمریکا در «عملیات روانی و تبلیغات فرهنگ» سرمایه‌گذاری عظیمی کرده است. بنا به تعریف او، «موج چهارم» بعد از جنگ سرد در دهه ۱۹۹۰ و تلاش غرب به رهبری آمریکا برای برقراری نظم نوین آغاز می‌شود. او اضافه می‌کند که انقلاب تکنولوژی اطلاعات، بازیگران غیردولتی را وارد میدان کرده است، از جمله شرکت‌های مالک شبکه‌های اجتماعی. چوکامی نهایتاً مدعی می‌شود که «مکتب انقلابی اسلام قادر است ارزشهای لیبرال دموکراسی را به چالش بکشد». رجوع کنید به: چوکامی، موج چهارم جنگ سرد (قم، ۲۰۱۶)، ۴۸–۸۰.
- 81 Ibid., 60.
- 82 Ibid.
- 83 Ibid., 63–65. For the cited text, see Frances Stonor Saunders, *Who Paid the Piper? The CIA and the Cultural Cold War* (London: Granta, 1999).
- 84 Hamid Hazegh Nikru, summary and introduction for "CIA Cultural War in the Fields of Culture and Art" (in Persian), *Psychological Operations Quarterly* (Fall/Winter 2006), <https://www.magiran.com/volume/121406>.
- 85 Reza Seraj, "America's Soft War Strategy Against the Islamic Republic of Iran" (in Persian), *Psychological Operations Quarterly* (Summer 2007), <https://www.magiran.com/volume/121404>.
- 86 Ali Fallahi, "Reasons for Formation of Color Revolutions, with an Emphasis on Case Studies in Georgia, Ukraine, Kyrgyzstan, and Myanmar" (in Persian), *Psychological Operations Quarterly* (Fall 2007), <https://www.magiran.com/volume/121401>.
- 87 Steven Barraclough, "Satellite Television in Iran: Prohibition, Limitation and Reform," *Middle Eastern Studies* 37, no. 3 (July 2001): 25–48.
- 88 Sabet and Safshekan, *Soft War*, <https://repository.upenn.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1004&context=iranmediaprogram>.

- 89 Ibid.; Afshon Ostovar, *Vanguard of the Imam: Religion, Politics, and Iran's Revolutionary Guards* (New York: Oxford University Press, 2016), 151–58.
- 90 Mehdi Taeb, “An Overview of Psychological Operations in Islam,” *Psychological Operations Quarterly* (Fall 2010), <https://www.magiran.com/paper/1109952>; Mohammad Hossein Jamshidi, “Psychological Operations in Early Islam: The Strategy of the Great Prophet’s Psychological Operation Against Infidelity and Polytheism” (in Persian), *Psychological Operations Quarterly* (Summer 2006), <https://www.magiran.com/volume/121407>.
- 91 Hojjatullah Moradi, “The Decisionmaking Process in Psychological Operations,” *Psychological Operations Quarterly* (Summer 2006), available at <https://www.magiran.com/volume/121407>.
- 92 Mehdi Haq Vardi Taqanaki, “Video Games, Tools of Soft Power,” *Psychological Operations Quarterly* (Summer 2007), <https://www.magiran.com/volume/121404>.
- 93 Mahsa Mah-Pishinian, “Cinema as a Tool of Zionist Soft Power with an Emphasis on Hollywood” (in Persian), *Psychological Operations Quarterly* (Summer 2007), <https://www.magiran.com/volume/121404>.
- 94 Ali Fallahi, “Hollywood Cinema and Psychological Operations Against the Islamic Republic of Iran” (in Persian), *Psychological Operations Quarterly* (Winter 2008), <https://www.magiran.com/volume/121395>.
- 95 Thomas Erdbrink, “Stung by ‘Argo,’ Iran Backs Conference Denouncing ‘Hollywoodism,’” *New York Times*, February 18, 2013, <https://www.nytimes.com/2013/02/19/world/middleeast/stung-by-argo-iran-backs-conference-decrying-hollywoodism.html>.
- 96 Ibid.
- 97 Ibid.
- 98 Islamic Republic News Agency, “Hollywood’s Effort to Delay the Arrival of the Imam of Time” (in Persian), April 8, 2020, <https://bit.ly/2ZZxojg>.
- 99 Tasnim News Agency, “Cinema and Messianism 1: A Report About Hollywood’s Widespread Effort Against Messianism” (in Persian), September 24, 2019, <https://bit.ly/3CPGcXn>; Iranian Students News Agency, “Hollywood’s Plan for Apocalypse” (in Persian), June 22, 2021, <https://bit.ly/3woYZ9y>.
- 100 Alireza Mahmoudi, “Human Rights: Tools of America’s Soft War” (in Persian), *Psychological Operations Quarterly* (Summer 2007), available at <https://www.magiran.com/volume/121404>.
- 101 Mohammad Eslam Yari Shegofti and Seyyed Ahmad Askari, “America’s Soft War During Events Following September 11, with an Emphasis on Afghanistan, the Iraq War, and Tensions with Iran” (in Persian), *Psychological Operations Quarterly* (Winter 2008), <https://www.magiran.com/volume/121395>.
- 102 Ibid.; also Amir Toumaj, “Iran’s Resistance Economy: Implications for Future Sanctions,” Critical Threats Project, American Enterprise Institute, November 17, 2014.
- 103 Barack Obama, *A Promised Land* (New York: Crown, 2020), 455.
- 104 “Mousavi Vows to ‘Pay Any Cost’ to Fight Iran Election Results,” CNN, June 15, 2009, <https://www.cnn.com/2009/WORLD/meast/06/15/iran.elections.protests/index.html>.
- 105 Emily Blout, “Iran’s Soft War with the West,” *SAS Review of International Affairs* 35, no. 2 (Summer/Fall 2015), 38–39.
- 106 Toumaj, “Iran’s Resistance Economy.”

- 107 Ruhollah Gholami, Meysam Balbasi, and Ali Ebrahimi, “The Definitional Framework of Soft Power: Case Study of American Soft Power Against the Islamic Republic of Iran” (in Persian), *Psychological Operations Quarterly* (Winter 2012/Spring 2013), 119–43, <https://www.magiran.com/paper/1171256>.
- 108 Mohsen Matlabi Jonqani, “The Enemy’s Tools in Soft War, with an Emphasis on Cyber Media” (in Persian), *Psychological Operations Quarterly* (Winter 2012/Spring 2013), 71–91.
- 109 Hojjatullah Moradi, “Introduction: ISIL Is the Obvious Face of Wahhabism” (in Persian), *Psychological Operations Quarterly* (Fall/Winter 2014), <https://www.magiran.com/volume/103617>.
- 110 Abbas Kardan, “America, Color Revolutions, and Networking in the Middle East” (in Persian), *Psychological Operations Quarterly* 22 (Summer 2009), <https://www.magiran.com/volume/121393>.
- 111 Mahsa Mah-Pishinian, “American Think Tank Approaches to Combat the Islamic Republic of Iran,” *Psychological Operations Quarterly* (Winter 2010/Spring 2011), <https://www.magiran.com/paper/1109941>.
- 112 “Transcript: President Obama’s Full NPR Interview on Iran Nuclear Deal,” National Public Radio, April 7, 2015, <https://www.npr.org/2015/04/07/397933577/transcript-president-obamas-full-npr-interview-on-iran-nuclear-deal>.
- 113 “Obama: The Iran Deal,” interview, The Mic, August 10, 2015, <https://www.mic.com/articles/123627/obama-mic-interview-transcript>.
- 114 Reza Rahmati, “Choice of Infiltration, America’s New Plan” (in Persian), Center for the Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Khamenei, August 18, 2015, <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=30532>.
- 115 “We Will Not Allow America’s Economic, Political, and Cultural Infiltration of Iran” (in Persian), *Hawzah*, August 17, 2015, <https://bit.ly/3bNAYj9>.
- 116 “Meeting of IRGC Commanders with Leader of the Revolution” (in Persian), Center for the Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Khamenei, September 16, 2015, <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=30767>.
- 117 “Diplomacy with Regard to Iran” (in Persian), *Psychological Operations Quarterly* (Spring/Summer 2015): 103–19, <https://www.magiran.com/paper/1540990>.
- 118 Ibid.
- 119 Fatemeh Mersali, “Infiltration Through Public Diplomacy, with an Emphasis on Teaching, Cultural Communication” (in Persian), *Psychological Operations Quarterly* 42 (Spring/Summer 2015): 157–75.
- 120 Abdullah Moradi, “Post-JCPOA: Strategic Choices and Models of Enemy Infiltration in the Islamic Republic,” *Psychological Operations Quarterly* (Spring/Summer 2015): 119–39, <https://www.magiran.com/paper/1540991>.
- 121 Ibid.
- 122 “Qodrat Haji-Rostamlu, “Teaching English Language as a Tool of Cultural Infiltration” (in Persian), *Psychological Operations Quarterly* (Spring/Summer 2015): 65–91.
- 123 Ronald Hughes, “Iran Nuclear Deal: When Will Tehran Get a McDonald’s?” BBC, January 16, 2016, <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-33549187>; Dariush Jafarzadeh Dashbalaq and Said Ebrahimi, “The McDonald’s Method of Infiltration Within the Framework of Soft War,” *Psychological Operations Quarterly* (Spring/Summer 2016): 131–47, <https://www.magiran.com/paper/1722987>.

- 124 Hughes, “When Will Tehran Get a McDonald’s?” <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-33549187>; Dashbalaq and Ebrahimi, “The McDonald’s Method,” <https://www.magiran.com/paper/1722987>.
- 125 Chokami, *The Fourth Wave of Soft War*, 67–81.
- 126 Ibid., 210.
- 127 Ibid.
- 128 David Rothkopf, *Superclass: The Global Power Elite and the World They Are Making* (New York: Farrar, Straus and Giroux, 2008), 1–7.
- 129 Chokami, *The Fourth Wave of Soft War*, 210–40.
- 130 Ibid., 232–35.
- 131 Jon Gambrell, “Oil Tanker Attacks Echo Persian Gulf’s 1980s ‘Tanker War,’” Associated Press, June 14, 2019, <https://apnews.com/article/navy-persian-gulf-tensions-international-news-iran-united-arab-emirates-ceb6e7a86bf14a9a8d8ecf81c9dcc7ef>.
- 132 Ali Saidi, “Soft War Harder Than Hard War,” *Kayhan*, September 6, 2018, <https://bit.ly/3bS5Ij0>.
- 133 Shashanak Bengali and Ramin Mostaghim, “Young, Working-Class and Fed Up: Iran’s Deadly Protests Driven by a New Crop of Dissenters,” *Los Angeles Times*, January 2, 2018, <https://www.latimes.com/world/middleeast/la-fgiran-analysis-20180102-story.html>.
- 134 Islamic Republic News Agency, “The Supreme Leader of the Revolution’s Note After Meeting with a Group of Broadcasting Programmers” (in Persian), November 28, 2018, <https://bit.ly/3c5M-MgR>.
- 135 Ibid.
- 136 Iranian Students News Agency, “Imam Banned Talks with America, and I Ban Them Too” (in Persian), July 29, 2018, <https://bit.ly/3BS40IH>; “No Talks Will Happen Between Iran and America at Any Level” (in Persian), *Mashregh News*, September 17, 2019, <https://bit.ly/3CUkrpf>.
- 137 “The Basij’s Role in the Framework of Soft War” (in Persian), Office for the Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Khamenei, November 27, 2019, <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=44268>.
- 138 “Statements Among Workers Commemorating the Anniversary of the Martyrdom of Haj Qasem Soleimani and Martyr Soleimani’s Family” (in Persian), Office for the Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Khamenei, December 17, 2019, <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46944>.
- 139 Tasnim News Agency, “Martyrdom of Commander Soleimani Was Firm Slap to Generals of Enemy’s Soft War,” January 7, 2021, <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/10/18/2428152/>.
- 140 “Coronavirus and Soft War Against the Islamic Republic of Iran,” Defa Press, March 18, 2020, <https://bit.ly/3GYZQmi>; “Coronavirus: Iran Cover-Up of Deaths Revealed by Data Leak,” BBC, August 3, 2020, <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-53598965?piano-modal>.
- 141 Ali Alfoneh, *What Do Structural Changes in the Revolutionary Guards Mean?* Middle Eastern Outlook 7 (Washington DC: American Enterprise Institute, 2008), <https://www.aei.org/research-products/report/what-do-structuralchanges-in-the-revolutionary-guards-mean/>.
- 142 Ibid.
- 143 Ibid.

- 144 “Some Things Unsaid About IRGC Chief’s Life” (in Persian), *Asr-e Iran*, December 18, 2010, <https://bit.ly/305Rw3v>.
- 145 Nima Adelkhah, “Iran Integrates the Concept of the ‘Soft War’ into Its Strategic Planning,” Jamestown Foundation, *Terrorism Monitor* 8, no. 23 (June 12, 2010), <https://jamestown.org/program/iran-integrates-theconcept-of-the-soft-war-into-its-strategic-planning/>.
- 146 Islamic Republic News Agency, “Soft War Base Formed with Order of Commander in Chief” (in Persian), January 25, 2013, <https://bit.ly/3ESkum1>.
- 147 “What Is the Soft War Base’s Mission?” *Mashregh News*, July 18, 2018, <https://bit.ly/3kien2N>.
- 148 Tasnim News Agency, “300,000 Basij Righteous Circles Formed Against Enemy’s Soft War” (in Persian), April 23, 2014, <https://bit.ly/3bPLwOM>.
- 149 Islamic Republic News Agency, “Representative of Supreme Leader in IRGC: ’88 Sedition Was Enemy’s Soft War to Overthrow System” (in Persian), December 30, 2017, <https://bit.ly/31GwVDm>.
- 150 Tasnim News Agency, “Israeli Regime to Collapse in Coming Years: Ex-IRGC Chief,” May 31, 2019, <https://www.tasnimnews.com/en/news/2019/05/31/2022954/israeli-regime-to-collapse-in-coming-years-ex-irgc-chief>.
- 151 “IRGC Commander’s Prescription for Combating Soft War” (in Persian), *Khabar Online*, July 13, 2020, <https://bit.ly/3ESkZfT>.
- 152 “Soft War and Mismanagement” (in Persian), *Seday-e Modafean*, August 6, 2021, <https://www.sedayemodafean.org/akhbar/50532/>; “Exclusive: ‘Disruption’ in Iran’s 1400 [2020–21] Budget: Military Budget Increased by 1.5 Times in Parliament” (in Persian), BBC Persian, May 23, 2021, <https://www.bbc.com/persian/business-57175373>.
- 153 “Soft War and Mismanagement,” <https://www.sedayemodafean.org/akhbar/50532/>.
- 154 Ibid.
- 155 H. Rastgoo, “The Revolutionary Guards’ Media Cartels,” IranWire, January 31, 2020, <https://iran-wire.com/en/features/6671>.
- 156 “Book Review Roundtable: Iran Reframed,” *Texas National Security Review*, September 8, 2020, <https://tnsr.org/roundtable/book-review-roundtable-iran-reframed/>.
- 157 “What Do You Know About the Shahid Avini Institute, Producer of the *Gando* Series?” *Seday-e Mardom*, April 14, 2021, <https://www.sedayemardom.net/?p=94993>.
- 158 Seth Jones and Danika Newlee, “The United States’ Soft War with Iran,” Center for Strategic and International Studies, June 11, 2019, <https://www.csis.org/analysis/united-states-soft-war-iran>.
- 159 Ibid.
- 160 Yulia Talmazan and Ali Arouzi, “U.S. Seizes Over 30 Websites Linked to Iranian Disinformation,” NBC News, June 23, 2021, <https://www.nbcnews.com/news/world/u-s-seizes-over-30-websites-linked-iranian-disinformation-n1272076>.
- 161 U.S. Department of the Treasury, “Treasury Sanctions Iranian Entities for Attempted Election Interference,” press release, October 22, 2020, <https://home.treasury.gov/news/press-releases/sm1158>.
- 162 This insight and those preceding it are from *ibid*.
- 163 U.S. Department of the Treasury, “Treasury Sanctions Iran’s Envoy in Yemen and University Facilitating Recruitment for Qods Force,” press release, December 8, 2020, <https://home.treasury.gov/news/press-releases/sm1205>

- 164 Sabet and Safshekan, *Soft War*, <https://repository.upenn.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1004&-context=iranmediaprogram>.
- 165 “Iran’s Intranet: A Master Plan for Internet Censorship,” Iran News Wire, October 30, 2020, <https://irannewswire.org/irans-intranet-a-master-plan-for-internet-censorship/>; Peter Kenyon, “Iran Struggles to Create an Intranet to Block Global Sites,” National Public Radio, January 17, 2020, <https://www.npr.org/2020/01/17/797220614/iran-struggles-to-create-an-intranet-to-block-global-sites>.
- 166 “Iran’s Intranet,” <https://irannewswire.org/irans-intranet-a-master-plan-for-internet-censorship/>.
- 167 Ibid.; “Iran Says Its Intranet Almost Ready to Shield Country from ‘Harmful’ Internet,” Radio Farda, May 20, 2019, <https://en.radiofarda.com/a/iran-says-its-intranet-almost-ready-to-shield-country-from-harmful-internet/29952836.html>.
- 168 “Iran’s Intranet,” <https://irannewswire.org/irans-intranet-a-master-plan-for-internet-censorship/>.
- 169 Fars News Agency, “Strategy of Dominant System to Infiltrate Iran” (in Persian), February 6, 2017, <https://bit.ly/37RiOe3>.
- 170 “Leader’s Complaint About Revolutionary Shortcomings in Fighting the Enemy’s Psychological Warfare” (in Persian), Jahat Press, August 5, 2021, <https://jahatpress.ir/fa/news/38776>.
- 171 Islamic Republic News Agency, “Combating the Enemy’s Psychological Warfare Requires Planning,” January 23, 2020, <https://bit.ly/3mUbEhD>.
- 172 Ramin Mostaghim, “Imagine *Homeland*, if All the Heroes Were Iranian. That’s *Gando*, Must-See TV in Iran,” *Los Angeles Times*, July 19, 2019, <https://www.latimes.com/world-nation/story/2019-07-19/iran-hit-tv-showgando>.
- 173 “Iran Reframed,” <https://tnsr.org/roundtable/book-review-roundtable-iran-reframed/>.
- 174 “Commander Fadavi: Islamic Revolutionary Guard Corps Has No More Words in Front of It, Not Even ‘Iran,’” (in Persian), *Iran International*, April 23, 2018, <https://bit.ly/30a8tKb>.
- 175 Saeed Golkar, *The Supreme Leader and the Guard: Civil-Military Relations and Regime Survival in Iran*, Policy Note 58 (Washington DC: Washington Institute, 2019), <https://www.washingtoninstitute.org/media/1179>.
- 176 Ostovar, *Vanguard of the Imam*, 226.
- 177 Toumaj, Rondeaux, and Ammar, *Soleimani’s Shadow*, <https://www.newamerica.org/international-security/reports/soleimanis-shadow/>.
- 178 “Soleimani: Huge Crowds Pack Tehran for Commander’s Funeral,” BBC, January 6, 2020, <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-51004688>.
- 179 Toumaj, Rondeaux, and Ammar, *Soleimani’s Shadow*, <https://www.newamerica.org/international-security/reports/soleimanis-shadow/>.

درباره نویسنده:

امیر توماج پژوهشگر مستقل و از بنیان‌گذاران «رصد محور مقاومت» است که تحلیل و پوشش عینی از ایران و نیروهای نیابتی اش ارائه می‌دهد. توماج قبلاً برای بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها و انستیتو امریکن انترپرایز و همین‌طور در بخش خصوصی کار کرده است.



THE WASHINGTON INSTITUTE FOR NEAR EAST POLICY
1111 19TH STREET NW | WASHINGTON, DC 20036
WWW.WASHINGTONINSTITUTE.ORG
©2021 THE WASHINGTON INSTITUTE FOR NEAR EAST POLICY.
ALL RIGHTS RESERVED.